

دعا

[بادعاهایی از قرآن کریم]

تألیف:

آیت الله العظمی علامه

سید ابو الفضل ابن الرضا برقی قمی (رحمته الله)

(۱۲۸۷ - ۱۳۷۰ شمسی)

جميع الحقوق الفكرية والطباعة محفوظة

جميع الحقوق محفوظة، ولا يسمح الإفادة من هذا الكتاب أو نقله في أي شكل أو واسطة، سواء أكانت إلكترونية أو ميكانيكية، بما في ذلك التصوير بالنسخ (فوتوكوبي)، أو التسجيل، أو التخزين والاسترجاع، دون إذن خطي من المؤلف.

عنوان فارسي كتاب

دعا

(با دعاهایی از قرآن کریم)

عنوان عربي كتاب

الدعاء

(مع أدعية من القرآن الكريم)

تأليف

آية الله العظمى علامة

سيد ابوالفضل ابن الرضا برقي قمي

(۱۳۳۰هـ-۱۴۱۴هـ.ق) مطابق با (۱۲۸۷-۱۳۷۰هـ.ش)

www.borqei.com

ناشر

دار العقيدة للنشر والتوزيع

www.aqideh.com

چاپ اول / الطبعة الأولى

۱۴۳۵هـ / ۲۰۱۴م

ناظر علمي و فني

مجموعه‌ی موحدين

www.mowahedin.com

contact@mowahedin.com

Ⓒ دار العقيدة للنشر والتوزيع، ۱۴۳۵هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

القمي، سيد ابوالفضل الرضا البرقي

الدعاء مع أدعية من القرآن الكريم / الفارسية. / سيد

ابوالفضل الرضا البرقي القمي؛ المدينة المنورة، ۱۴۳۵هـ

۲۵۰ص؛ ۲۴سم

ردمك: ۹۷۸-۶۰۳-۹۰۴۲۹-۷-۶

۱. القرآن - أدعية ۲. الأدعية والأذكار

أ.العنوان

۱۴۳۵ / ۱۹۸۳

ديوي: ۳، ۲۲۹

العبيكان
Obeikan

توزيع شركة مكتبة

المملكة العربية السعودية - الرياض - المحمدية

طريق الأمير تركي بن عبدالعزيز الأول

هاتف: ۴۸۰۸۶۵۴ - فاكس: ۴۸۸۹۰۲۳

هاتف مجاني: ۹۲۰۰۲۰۲۰۷

ص.ب: ۶۲۸۰۷ الرياض ۱۱۵۹۵

فهرست مطالب

- مقدمه‌ی مجموعه کتاب‌های موحدین ۱
- مقدمه‌ی ناشر ۵
- تذکر ۸
- [مقدمه‌ی نویسنده] ۹
- فصل اول ۱۱
- [دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد] ۱۱
- [در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است] ۱۱
- فصل دوم ۱۳
- [قرآن بهترین دعاها را دارد] ۱۳
- [اکثر کتاب‌های دعا باطلند] ۱۳
- [عباس قمی از جهل مردم می‌نالید ولی خودش ...] ۱۴
- فصل سوم ۱۶
- فصل چهارم ۱۷
- [ضررهای دعاهاى اختراعى] ۱۷
- [برهان از قرآن] ۱۸
- [توضیح در باره استمداد برادران یوسف علیه السلام از پدرشان] ۲۰
- [آیا امام همه زبان‌ها را می‌داند و همه وقت در همه جا حاضر است؟] ۲۱
- [توضیح درباره‌ی آیه‌ی ﴿وَأَسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾] ۲۲

۲۳ [آیا خدا وزیر دارد؟]

۲۴ [وسیله قرار دادن نیکان شرک است]

۲۵ [در دعاهای باطل بخدا اهانت می‌شود]

۲۶ [قرآن بهترین پناهگاه]

۲۸ **فصل پنجم**

۲۸ دعاهای قرآنی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده

۳۴ دعاهای قرآنی که به کلمه ﴿رَبِّ﴾ ابتداء شده است

۳۸ بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه‌ی مجموعه کتاب‌های موحدین

حمد و سپاس خداوندی که نعمت اسلام را بر بندگان خود ارزانی داشت و از میان آنان، بهترین و پاک‌ترین را برای ابلاغ پیام آزادی و آزادگی برگزید؛ و درود و سلام پروردگار یکتا بر اهل بیت بزرگوار، صحابه کرام و تابعین گران‌قدر پیامبر دوستی و رحمت.

دینی که امروز مفتخر به آنیم، ثمره مجاهدت‌ها و از جان گذاشتگی‌های مردان خداست؛ آنانی که در راه حفظ و نشر پیام الهی، خالصانه مهر حق در دل و مهر نام پاکش بر لب داشتند و در راه صیانت از سخن خداوند سبحان و سنت پیامبر مهربان، جان و مال و عرض بر کف نهادند و جز خشیت و خوف آفریدگار، ترسی به دل ندادند.

آری، اسلام عزیز این گونه رشد کرد و بالید و بر بلندای آسمان بانگ یکتاپرستی و برابری سر داد. در این میان اما، دست تطاول دشمنان قسم خورده و جورِ عالمان مُتَهتَک و جاهلان مُتَنسَک، بر قامت رعنای دین حق نشست و شرک و غلو و گزافه و دروغ، چنان طوفانی بر پا کرد که چهره زیبای آیین حق، در پسِ دروغ‌پردازی‌های غوغا سالاران دین فروش در مُحاق افتاد. این روندِ دوری از حقایق دین و سنت حسنه رسول‌الله، به ویژه پس از روی کار آمدن پادشاهان صفوی در قرن نهم هجری و زمامداران جمهوری اسلامی در عصر حاضر، سیر صعودی گرفت؛ تا جایی که امروز، مساجد محل سینه زنی و عزاداری

است و صدای قرآن بر نمی‌خیزد مگر بر مزار مردگان؛ روایات شاذّ و خودساخته، جایگزین سنت پیامبر شده است و مداحان جاهل و عوام‌فریب، تبدیل به فرهنگ‌ناطق دین شده‌اند؛ تفسیر به رأی و روایات مجعول، مستمسکی شد برای جدایی انداختن بین شیعه و سنی؛ و دریغ که ندانستند از این تفرقه و خصومت، بهره و منفعت از آن کیست؟

آنچه امروز به نام تقریب مذاهب اسلامی در ایران سر می‌دهند، چیزی نیست مگر هیاهوی تبلیغاتی و گرد و خاک سیاسی که در سایه پوشش رسانه‌ای گسترده، مقصودش جلب توجه سیاسی و ترسیم چهره‌ای مناسب از حکومت شیعی ایران در جهان است. نگاهی به عملکرد سردمداران و روحانیون و مراجع شیعه ایران، خود گویای این حقیقت است که تقریب مذاهب و دوستی و برادری دینی به شیوه زمامداران ایران، خواب و خیالی بیش نیست و «دو صد گفته چون نیم کردار نیست».

در این میان، موحدان مسلمانی در ایران، از دل جامعه خرافه زده شیعی امامیه برخاستند و کمر به بیداری جامعه غفلت زده خود بر بستند؛ سراپا شور و شهادت شدند و قلم فرسودند و سخن دردادند و زنگار شرک را به صیقل توحید و سنت زدودند و بی پروا فریاد برآوردند که:

برخیز تا یکسو نهیم این دلقِ ازرق فام را بر بادِ قلاشی دهیم این شرکِ تقوا نام را
هر ساعت از ما قبله‌ای با بت‌پرستی می‌رود توحید بر ما عرضه کن تا بشکنیم اصنام را

حیدر علی قلمداران قمی - که از زمره این بزرگواران بود- در کتاب ارزشمند شاهراه اتحاد، علت این تفرقه را در جهل مسلمین نسبت به کتاب خدا و سیره پیامبرش می‌داند و کوشید تا با ریشه‌یابی دیگر علل جدایی فرقه‌های اسلامی، گامی حقیقی و موثر در جهت تقریب مذاهب بردارد. تلاش و جدیت دیگر علما و دلسوزان اسلام، همچون آیت الله سید ابوالفضل برقی قمی، سید مصطفی حسینی طباطبایی، آیت الله شریعت سنگلجی، یوسف شعار و بسیاری دیگر از این مجاهدان راه حق، بدون شک، الگویی است برای حق‌پژوهان و جویندگان گوهر دین، تا با تاسی از شیوه دین‌پژوهی و عیار سنجی مدعیات دینی و در سایه آموزه‌های ناب قرآن و سنت، در جهت پژوهش‌های یکتاپرستانه گام‌های موثری بردارند و

گم‌گشتگان را مدد رسانند تا ره به ساحل سلامت برند و از گرداب شرک و توهم‌رهایی یابند.

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر این رادمردانِ عرصه یکتاپرستی، رسالتی را بر دوش دیگرانی می‌گذارد که شاهدِ گرفتاری‌های دینیِ جامعه و جدایی مسلمانان از تعالیم حیاتبخش اسلام، به ویژه در ایران هستند.

لازم به ذکر هست که اصلاح‌گرانی که امروز کتابهایشان را منتشر می‌کنیم در خلال تغییر مذهب شیعه امامی که در گذشته پیرو آن بوده‌اند، مرحله‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌اند و باطل بودن عقاید شیعه امامی را مانند امامت از دیدگاه شیعه، عصمت، رجعت و غیبت و اختلافاتی که میان صحابه رخ داده و غیره، را به صورتی تدریجی و در چند مرحله کشف کرده‌اند؛ به همین دلیل عجیب نیست که در تعدادی از کتابهایی که در ابتدای امر تألیف کرده‌اند برخی از اثرات و بازمانده‌های عقاید گذشته به چشم بخورد ولی کتابهای بعدی آنها از این عقاید غلو آمیز رها شده، بلکه کاملاً از آن پاک شده است، به هدف نزدیک شده و بلکه عقیده پاک اسلامی، توحیدی و بی‌آلایش را در آغوش کشیده‌اند.

اهداف

آنچه امروز در اختیار دارید، تلاشی است در جهت نشر معارف دین و ادای احترام به مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر مردانِ خدا. هدف از انتشار این مجموعه، این است که:

۱- امکان تنظیم و نشر آثار موحدین، به صورت اینترنتی، الکترونیکی، لوح فشرده و چاپی مهیا شود، تا زمینه آشنایی جامعه با اندیشه و آراء توحیدی آنان فراهم و ارزش‌های راستین دین، به نسل‌های بعد منتقل گردد.

۲- با معرفی آثار و اندیشه‌های این دانشمندان موحد، چراغی فرا راه پژوهش‌های توحیدی و حقیقت‌جویانه قرار گیرد و الگویی شایسته به جامعه اندیشمند ایران معرفی شود.

۳- جامعه مقلد، روحانی گرا، مرجع محور و مداح دوست ایران را به تفکر در اندیشه‌های خود وادارد و ضمن جایگزین کردن فرهنگ تحقیق به جای تقلید، به آنان نشان دهد که چگونه از دل شیعه غالی خرافی، مردانی برخاستند که با تکیه بر کلام خدا و سنت رسول، ره به روشنایی توحید بردند.

۴- با نشر آثار و افکار این موحدین پاک‌نهاد، ثمره پژوهش‌های بی‌شائبه آنان را از تیغ سانسور و مُحاق جهل و تعصب زمامداران دین و فرهنگ ایران به در آورد و با ترجمه این کتاب‌ها به دیگر زبان‌ها، زمینه آشنایی امت بزرگ اسلام در دیگر کشورها را با آرا و اندیشه‌های یکتاپرستان مسلمان در ایران فراهم کند.

چشم انداز

تردید نیست که دستیابی به جامعه‌ای عاری از خرافه و بدعت و رسیدن به مدینه فاضله‌ای که آرامش در جوار رضایت حضرت حق را به همراه دارد، مقدر نخواهد بود، مگر با پیروی از آموزه‌های اصیل و ناب قرآن و سنت پاک پیامبر مهر و رحمت صلی الله علیه و آله. هدف غایی دست اندر کاران مجموعه موحدین، آن است که با معرفی آثار این بزرگان جهاد علمی، الگوی مناسبی برای دین‌پژوهان و جویندگان راه حق فراهم آورند، تا شناخت و بهره‌گیری از فضایل دینی و علمی این عزیزان، بستر مناسبی باشد برای رشد و تقویت جامعه توحیدی و قرآنی در ایران و نیل به رضایت خالق و سعادت مخلوق.

باشد که خداوند، این مختصر را وسیله علو درجات آن عزیزان قرار دهد و بر گناهان ما، قلم عفو کشد.



مقدمه‌ی ناشر

سپاس خداوند بزرگی را که نعمت بندگی اش را بر ما عرضه کرد و درود و سلام خداوند بر پاکترین خلق خدا و آخرین فرستاده پروردگار - محمد مصطفی - و خاندان و اصحاب پاک نهادش.

مسلمانان در طول قرن‌های گذشته، به برکت و موهبت اسلام عزیز و پیروی از کلام گهربار رسول خدا، در دانش اندوزی و علم آموزی، گوی سبقت از دیگران ربودند، چنان که در پایان خلافت عباسی، دانشمندان مسلمان، سرآمد دوران خود شدند و نیمهٔ دوم سدهٔ دوم هجری قمری، بیت‌الحکمه، که در دورهٔ خلافت هارون‌الرشید عباسی در بغداد تأسیس شده بود، به بزرگترین نهاد آموزشی و پژوهشی جهان تبدیل شد و به دلیل فعالیت‌های فرهنگی و علمی‌اش در عرصه‌های مختلف تألیف، ترجمه، استنساخ و پژوهش در دانش‌های گوناگون پزشکی، انسانی و مهندسی، هنوز به عنوان نماد تمدن اسلامی شناخته می‌شود.

بدون شک، چنین توانمندی و شکوهی همچون خاری در چشم، دشمنان اسلام را می‌آزرد؛ پس بر آن شدند تا با ایجاد زمینه‌های اختلاف و تفرقه افکنی در میان مسلمین، این شکوه و عظمت را، که ناشی از اتحاد و یکدلی و برادری میان آنان بود، از بین ببرند و

تفرقه را طوفانی بلا خیز کنند، تا چشم‌ها را بر زیبایی حق ببندد و خورشیدِ دین را در پسِ ابرهای بدعت و خرافه پنهان کنند و چنان که شیخ سعدی می‌گوید:

حقیقت، سرایی است آراسته هوا و هوس، گردد برخاسته
نبینی که هر جا که برخاست گرد نبیند نظر، گرچه بیناست مرد

تلاش‌های برنامه ریزی شده و بلند مدتِ مغرضانِ اسلام برای بستن چشم مسلمانان به حقیقتِ دین، سستی و کاهلی مسلمین در فراگیری و نشر معارف دین و دوری جستن آنان از سنت ناب و هدایتگر رسول خدا، منجر به بروز چنان شکاف و اختلاف عمیقی در امت اسلام شد که تبعات شوم آن، امروز نیز دامنگیر آنان است.

به موازات تلاش‌های خصمانه دشمنانِ پیامبر خدا ﷺ برای به انحراف کشیدن آموزه‌های اسلام و وارد کردن بدعت‌های گوناگون در دین، مؤمنینی پاک‌نهاد و دلسوز، این خطر را دریافتند و در جهادی مستمر برای احیای اسلام و سنت نبوی، به پا خاستند و با شجاعتی کم نظیر، قلم در دست گرفتند و در دل شیعیان خرافه‌پرست، به اشاعه فرهنگ و اعتقادات اصیل اسلام پرداختند؛ فریاد توحید سر دادند و خواب دین فروشان و بدعتگذاران را آشفته نمودند. این موحدینِ حقیقت‌جو، به تأسی از پیامبر شریف اسلام، حقیقت را فدای مصلحت نکردند و در این راه، جان را تحفه بارگاه حق تعالی نمودند، و به راستی: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [یونس: ۶۲].

آنچه در این مجموعه آمده است، جرعه‌ای است از دریای معرفت الهی و گزیده‌ای است از آثار موحدین خداجویی که در آغاز از طایفه شیعیان بودند. نور خدا در دلشان تابیدن گرفت و توحید را سرلوحه حیات با برکتشان قرار دادند. این افراد، که همگی از علما و نویسندگان و محققین طراز اول جهان تشیع در ایران بوده و هستند، در سیر تحول فکری (و بالطبع، در آثارشان) حرکتی گام به گام داشتند؛ به این معنا که نگرششان به مسایل مختلف اعتقادی، به یکباره متحول نشده است؛ بلکه با گذشت زمان، مطالعات گسترده و تعامل با دیگر همفکرانشان، به مسیری نو گام نهاده‌اند. لذا، ممکن است برخی از اظهار نظرها یا نتیجه‌گیری‌ها در آثار این افراد، که در این مجموعه آمده است، کاملاً منطبق با

رویکردهای دینی و اعتقادی اهل سنت و جماعت نباشد؛ با این وجود، به دلیل اهمیت این آثار در هدایت شیعیان ایران و دیگر اقوام پارسی زبان، به انتشار آن اقدام نمودیم. همچنین، دیدگاهها و مواضع فکری مطرح شده در این کتابها، الزاما دیدگاههای ناشر و دست اندرکاران انتشار این مجموعه نیست، اما بی تردید، نفعهای است از نفعات حق و نوری است از جانب پروردگار برای هدایت آنانی که به دور از تعصبات و گمانه زنی‌های تاریخی، فرقه‌ای و مذهبی، جویای حقیقت هستند.

نکته قابل تأمل این است که برای آگاهی از دیدگاه‌های این افراد نمی‌توان تنها به مطالعه یک جلد از آثارشان بسنده کرد؛ بلکه نیاز است که زندگی آنان به طور کامل مطالعه گردد، تا چگونگی انقلاب فکری شان و انگیزه‌ها و عوامل آن کاملا شناخته شود. برای مثال، آیت الله سید ابوالفضل برقی قمی، کتابی دارد با عنوان *درسی از ولایت* که آن را در اوایل دوران تطور فکری‌اش به رشته تحریر درآورده است. او در این کتاب به بحث درباره ائمه و ادعای شیعه درباره ولایت و امامت بلافضل ایشان پس از پیامبر خدا پرداخته است. او عدد ائمه را دوازده نفر دانسته و بر وجود و حیات محمد بن حسن عسگری، به عنوان دوازدهمین امام، صحه گذاشته و آن را پذیرفته است. اما چند سال بعد، کتابی با نام *تحقیق علمی در احادیث مهدی* می‌نویسد و نتایج پژوهش‌هایش را در اختیار خواننده قرار می‌دهد، که حاکی از جعلی و دروغ بودن تمام احادیث، اخبار و گزاره‌های تاریخی مرتبط با ولادت و وجود امام زمان است. از این مثال و موارد مشابه دیگر، چنین برمی‌آید که اطلاع از حوادث و رویدادهای زندگی موحدین و مطالعه مجموعه آثار آنان، با در نظر گرفتن تقدم و تأخر نگارش آنها، بهترین راه برای آگاهی از سیر تحول اندیشه و آثار ایشان است.

امید است آثار این بزرگواران و تلاش‌های متولیان نشر آنها، زمینه‌ای باشد برای بازگشت به مسیر امن الهی و عبادت خالصانه خالق. باشد که خداوند بزرگ، این مختصر را موجب بخشش گناهان و لغزش‌های ما قرار دهد و روح آن عزیزان را در جوار مهر و بخشش خود گیرد.

تذکر

- ۱- دیر زمانی است که مسلمانان در بحث و مباحثه با ملل دیگر از کتب آن‌ها دلیل می‌آورند. مثلاً با اینکه **انجیل** موجود مورد قبول ما نیست با این وجود در مباحثه با علمای نصاری، در مورد رسالت حضرت محمد ﷺ، به آن کتاب، استناد می‌کنیم. دلایلی که علامه برقعی از کتاب نهج البلاغه و غیر آن، برای رد عقاید شیعه نقل می‌کند، معنایش این نیست که آن کتب مورد قبول ماست. کتب شیعه بدلیل آنکه بطریقه غیر علمی نوشته شده‌اند به اجماع علمای مسلمین فاقد ارزش و اعتبار هستند.
- ۲- در این کتاب هر جا نام امیر المؤمنین ذکر شده مقصود حضرت علی رضی الله عنه می‌باشند.
- ۳- تیتراهای فرعی از طرف مُصحح بر کتاب افزوده شده، و داخل کروشه [] قرار گرفته است.
- ۴- آیات کریمه‌ای که ترجمه نشده بود با ویرایش اندک از تفسیر «تابشی از قرآن» نوشته مولف اخذ گردید.

[مقدمه‌ی نویسنده]

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْنَى لِعِبَادِهِ الدُّعَاءَ، وَجَعَلَ مِنَ الْوَسَائِلِ إِلَيْهِ الْإِيمَانَ وَالتَّوْبَةَ وَالْبُكَاءَ،
وَالصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَعَلَى آلِهِ وَاتَّبَاعِهِ الْأَتْقِيَاءِ.

سپاس و ستایش ذات مقدس پروردگار عظیم‌الشأنی را سزا است که با کمال بزرگی و بی‌نیازی و عزت، درهای لطف و مرحمت و مهربانی و عطوفت خود را بر بندگان خود گشوده و کوچک و بزرگ و صالح و طالح و مطیع و عاص و مؤمن و کافر را اذن عام و رخصت داده که هر ساعت و دقیقه از شب و روز و گاه و بیگاه و خلوت و جلوت او را بخوانند، با خود او بدون واسطه مکالمه و خطاب نمایند.

در کتاب خود سوره المؤمن، آیه ۶۰ فرموده: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ «و پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم». و در همین آیه، دعا و خواندن خود را عبادت شمرده و فرموده: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [المؤمن: ۶۰]. یعنی: «هر کسی که از عبادت من [که دعا باشد]، تکبر ورزد بزودی داخل دوزخ گردد با کمال خواری». و دستور داده با حضرتش مناجات و عرض و حاجت کنند و حوائج خود را با او در میان بگذارند، نه امیر گذاشته و نه حاجبی و دربانی، و نه وزیری گماشته و نه وکیل و معرفی.

هر که خواهد گویا و هر چه خواهد گو بخواه

کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست.

هر کس در هر جا که خواهد می‌تواند با جناب او سخن گوید، او به هر دل و هر زبانی آگاه است. نه مترجم می‌خواهد و نه واسطه و رشوه‌ای.

و نفرموده مقربین مرا بخوانید و یا کسی را واسطه و همراه بیاورید، بلکه فرموده، ایمان و تقوی و زاری خود را وسیله دانید و این‌ها را بجوئید نه آنکه این‌ها را بخوانید، چنانکه در سوره مائده آیه ۳۵ فرموده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾.

یعنی: «ای مؤمنین، از خدا بترسید و بسوی او وسیله‌ای بجوئید».

و نفرموده: «ادعوا الوسيلة» وسیله را بخوانید.

شبانه‌روزی پنج مرتبه از روی جود و کرم بندگانش را به درگاه خود خوانده، تا به او تقرب جویند و با او تجدید عهد بندگی کنند، عجب خدای کارساز بنده‌نواز دانای راز بی‌نیازی است. «فَشُكْرًا لَهُ ثُمَّ شُكْرًا لَهُ».

کسی که می‌خواهد خدا را بخواند سزاوار است
این چند فصل را مطالعه نماید:

فصل اول

[دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد]

یکی از حقوق خدا بر بنده این است که او را به همان نحوی که خود او دستور داده بخواند، و چنانکه او خواسته او را بندگی کند و از برنامه و قانون او تخلف نکند و به همان اسماء و صفاتی که خدا خود را معرفی کرده او را صدا زند، نه اینکه به سلیقه‌ی ناقص خود اکتفا کند و به نامها و اسمائی که لایق ذات او نیست او را بخواند؛ و به بهانه‌ی ارادت به انبیاء و اولیاء بر خلاف قانون الهی عمل نکند.

[در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است]

متأسفانه در زمان ما جهالت و غرور و بدعت‌ها چنان شایع شده که به نام ارادت به مقربان و به بهانه‌ی رجوع به اخبار و احادیث مجعوله و کتب غیر معقوله بر خلاف دستور قرآن عمل می‌شود. بلکه رسول الله ﷺ و ائمه هدی سعی و کوشش داشتند که کسی بر خلاف کتاب خدا چیزی نگوید و بر خلاف قول خدا خبری نسبت به ایشان ندهد، و لی چنانکه در زمان حیاتشان اذیت و آزار شدند پس از وفاتشان نیز هر کسی به نام ایشان هر چه خواست به هم بافت و میان مردم منتشر ساخت، نه حسابی در کار و نه میزانی، چه بسیار دعا‌های کفرآمیز و شرک‌انگیز و مخالف توحید مورد توجه ملت شده، نه دانشمندی توجهی دارد، و نه کسی خیر خواهی می‌کند و نه خردمندی خیر خواه برای بیداری مردم سخن می‌گوید. عدّه‌ای از ترس دکانداران، ساکت و خاموشند، عدّه‌ای برای حفظ دگّان و

جمع آوری مریدان، با عوام هم آواز و دمسازند، و اکثر مردم آنقدر گرفتارند که فرصت تأمل و تفکر ندارند.

ما چون خود را مکلف و موظف و مسؤول دانستیم و از کسی هم جز خدا توقع پاداشی نداریم، در مقام بر آمدیم که حق را آشکار بگوییم و خیر امت را بنگاریم؛ چه کسی بپذیرد و چه نپذیرد. و امیدواریم و انتظار داریم که مردم هشیار بیدار با ما همکاری کنند و از دگانداران شیاد عوام فریب نهراسند، و چنانکه خدا در سوره‌ی زمر آیه‌ی ۱۷ فرموده، نوشته ما را بخوانند و اگر دیدند حق گفته‌ایم ما را یاری کنند^(۱).

۱- اشاره به آیه‌ی ۱۷ و ۱۸ سوره زمر است، که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ ۙ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ ۙ﴾. «پس به بندگانم مژده ده. آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند». [مُصحح]

فصل دوم

[قرآن بهترین دعاها را دارد]

بهترین دعاها، دعاهای قرآن است که حق تعالی از قول انبیاء و دیگران نقل کرده و یا خود دستور داده، زیرا قرآن سند محکم و متواتر است و از دست جعلین و کذابین محفوظ مانده و خود خدا حفظ آن را تضمین کرده؛ و در سوره‌ی حجر آیه‌ی ۹ فرموده:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ﴾

«همانا ما قرآن را نازل کردیم و یقیناً ما نگهبان آن [از هر گونه تحریف و تبدیل] هستیم».

[اکثر کتاب‌های دعا باطلند]

ولی دعاهای دیگری که در کتب دعا ذکر کرده‌اند، نویسندگان آن‌ها معصوم از خطا نبوده‌اند، یا بواسطهٔ تسامح در ادله‌ی سُنَن هر دعا و زیارتی را جمع کرده‌اند و توجه نکرده‌اند که اکثر یا سندی ندارد و فلان مقدّس یا فلان عالم به سلیقهٔ خود آن را به هم بافته، و یا اگر سندی دارد راویان آن یا مجهول‌الحال و یا اهل غلوّ و یا دارای عقائد باطله بوده‌اند و عقائد خود را در دعاها و زیارات گنجانیده و منتشر ساخته‌اند؛ و مردم بی‌خبر با اعتماد به اینکه فلان مقدّس و یا فلان عالم نوشته، می‌خوانند، و این روش باعثِ نشر عقاید فاسده گردیده و در اثر انتشار آن‌ها بسیاری از بدعت‌ها مورد رغبت شده که دفع آن‌ها بسیار مشکل گردیده، و دانشمندان بعدی با سکوت خود گویا تمام آن خرافات و بدعت‌ها را امضاء کرده‌اند.

باید دانشمندان بیدار برای حفظ حقایق قرآنی و دفع این باطل‌ها فکری کنند و یا برای ردّ این اوهام قیامی کنند. بسیاری از علمای اخیار دعاهایی که زاهدی و یا عالمی نوشته و یا در کتابی درج کرده، به واسطه حسن ظنی که به او داشته‌اند، خیال کرده‌اند سندی از شرع دارد، در حالی که ممکن است که آن زاهد و یا آن عالم طبق دستور مطلقاً دعا، خواسته به فکر خود دعایی زیبا بسازد و مسجّع و مقفّا کند، و اظهار ارادتی در پیشگاه خدا و یا بزرگان دین کرده باشد. محدّثین بعدی از حسن ظنی که به او داشته‌اند، آن را مُسنَد به شرع دانسته‌اند.

[عباس قمی از جهل مردم می‌نالد ولی خودش...]

چه بسیار دعاهایی که مثلاً حاج شیخ عباس قمی از کفعمی و یا ابن طاووس یا ابوقرّه و یا از شیخ طوسی و یا ابن عیّاش جوهری نقل کرده، گویا اینان را معصوم دانسته و یا به آن‌ها حق تشریح داده است. وی در مفاتیح در ذیل زیارت وارث بسیار مذمت کرده از کسانی که زیارت و یا دعایی جعل کرده‌اند، و یا در دعاها کلمه‌ای کم و زیاد کرده‌اند؛ در حالی که آن مجعولات و یا آن کم و زیادها موجب کفر و شرک نبوده ولی خود او در مفاتیح دعاها و زیاراتی آورده که کفر محض و شرک خالص می‌باشد، مانند آنکه در زیارت ششم امیرالمؤمنین (ع) ذکر شده: «السَّلَامُ عَلَى الْأَصْلِ الْقَدِيمِ وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ، السَّلَامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِيِّ»^(۱)، که همان تثلیث نصاری را درباره امام آورده، و مثلاً از حسن مثله جمکرانی که مرد مجهول و مهملی است، دعایی آورده که می‌گوید:

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ، يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ، اَكْفِيَانِي فَانْكُمَا كَافِيَانِي وَاَنْصُرَانِي فَانْكُمَا نَاصِرَانِي وَاَحْفَظَانِي فَانْكُمَا حَافِظَانِي»^(۲)، که مخالف قرآن و موجب شرک است. زیرا قرآن

۱- یعنی: «سلام بر اصل قدیمی و شاخه کریم، سلام بر میوه چیده». [ترجمه از مُصحح]

۲- یعنی: «ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد، مرا کفایت کنید، که تنها شما کفایت‌کنندگان منید، یاری‌ام دهید که تنها شما یاری‌کنندگان منید، و مرا نگهدارید که تنها شما نگهداران منید».

[ترجمه از مُصحح]

می گوید:

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ﴾ [الزمر: ۳۶].

«آیا خداوند برای بنده خود کافی نیست؟»

ولی حسن مثله جمکرانی می گوید: محمد و علی کافی اند. خدا به رسول خود می گوید:

﴿وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۷].

«ما تو را حافظ آنان نگردانیدیم، و تو بر ایشان کارساز و وکیل نیستی.»

ولی این دعا می گوید، محمد و علی هر دو حافظ می باشند.

قمی از مجعولات عوام می نالد ولی از مجعولات و شریکات دانشمندان نمی نالد.

چقدر اذن دخولها برای رفتن به اعتبارِ اما و امامزادهها تراشیده اند، و امام و امامزادهها را مانند خدا حاضر و ناظر و جوابگو قرار داده اند، و تعجب این است که برای دخول اذن می خواهد ولی اذن صادر نشده داخل می شود. [و ما در کتابی بنام: "خرافات و فور در زیارات قبور" در این باره توضیحاتی داده ایم، مراجعه شود].

فصل سوم

اگر کسی دعایی از خود جعل کند و یا از دیگری نقل کند که مطابق قرآن و عقل باشد، اشکالی ندارد. اما به قصد ورود از شرع نخواند و به دین نبندد و تذکر دهد که این دعا مستند به شرع نیست، مثلاً کسی پس از نماز صبح چهل مرتبه خدا را می‌خواند و یا عزیز یا عزیز می‌گوید این کار طبق دستور ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ عیبی ندارد، ولی این ذکر با این عدد معین چون از شرع نرسیده به شرع اسلام نبندد و باید هر دعا و زیارتی می‌خواند مواظبت کند که با قرآن الهی موافق باشد. زیرا اخبار متواتره در کتاب وسایل (کتاب قضا) و سایر کتب حدیث وارد شده که رسول خدا ﷺ و ائمه هدی (ع) فرموده‌اند: «مَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ، وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ». یعنی: «هر چه موافق کتاب خدا است بگیرید و آنچه مخالف کتاب خدا است رها کنید». زیرا رسول خدا و ائمه هیچ کدام سخنی بر خلاف قول خدا نمی‌گویند. پس شخص مسلمان باید اول برود از مطالب قرآن مطلع گردد تا بفهمد کدام دعا و حدیث موافق قرآن و کدام مخالف قرآن است. متأسفانه ملت ما به کلی از قرآن بی‌خبرند و لذا دعاها و زیارات ضد قرآنی را تمیز نمی‌دهند و خود را معذور می‌دانند در حالی که معذور نبوده و مسؤولند.

فصل چهارم

[ضررهای دعاهاى اختراعى]

مفاسد دعاها و زیارات مجعوله بسیار است:

۱- مخالف با عقل و قرآن، که قرآن حجت پروردگار است؛ و مخالفت با آن موجب هلاکت و نکبت و زیان دنیا و آخرت است. پس نفعی که ندارد هیچ بلکه سر تا پا ضرر است.

حال اگر کسی بخواهد ایشان را نهی کند به عذر اینکه ما نمی فهمیم و یا فلان عالم چنین نوشته سر پیچی می کنند، بلکه علاقه ای که به دعاهاى مجعوله دارند به کتاب خدا ندارند.

۲- بسیاری از اهل بدعت و مذاهب باطله همین دعاها و زیارات را مدرک و سند خود قرار داده و دکان های خود را رواج داده اند.

۳- در دعا نباید به غیر خدا توجه کرد زیرا دعا عبادت است و خواندن خدا بعنوان مدعو غیبی مانند خواندن معمولی متعارف دنیوی نیست، زیرا در خواندن معمولی متعارفی هر یکی از مخلوق را می توان خواند، کسی که پایش درد گرفته می تواند بگوید: ای زید، دست مرا بگیر! کسی که محتاج به دوا می باشد، می تواند بگوید: ای دکتر، دوا به من بده، کسی که حاجتی به دیگری دارد می تواند بگوید فلانی حاجت مرا انجام بده، کسی که که نان می خواهد می گوید: ای شاطر، نان بده. در خواندن متعارفی معمولی فقط باید طرف حاضر باشد و صدای او را بشنود.

[برهان از قرآن]

اما دعای شرعی عبارت است از عبادت، و آن خواندن مدعوّ غیبی، که فقط خدا باشد، و در این عبادت مانند سایر عبادات نباید به احدی توجه کرد و غیر خدا را شریک نمود. چنانکه خدا در سوره‌ی کهف آیه‌ی ۱۱۰ فرموده:

﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾.

«و به عبادت پروردگارش احدی را شریک ننماید.»

عبادت مخصوص ذات پروردگار است، و لذا آیات بسیار در قرآن آمده که غیر خدا را بخوانید و خواندن غیر خدا را شرک دانسته، از آن جمله در سوره‌ی جن آیه‌ی ۲۰ فرموده:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا﴾.

یعنی: «بگو: من فقط پروردگارم را می‌خوانم و احدی را شریک او نمی‌کنم. [و شرک به او نمی‌آورم]». و در آیه ۱۸ فرموده:

﴿فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾.

یعنی: «احدی را با خدا مخوان.»

و در آیه‌ی ۱۳ و ۱۴ سوره‌ی فاطر فرموده:

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿۱۳﴾ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ﴿۱۴﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرِكُمْ...﴾.

یعنی: «آن کسانی را که غیر خدا می‌خوانید مالک پوست هسته‌ی خرمايي نیستند، اگر بخوانیدشان نمی‌شنوند و اگر بشنوند اجابت نکنند و روز قیامت به شرک شما اعتراض و انکار کنند.»

در این آیه صریحا کسانی که غیر خدا را می‌خوانند مشرک خوانده و نمی‌توان کلمه ﴿الَّذِينَ﴾ و ضمیرهای جمع مذکر که مخصوص عقلا است و بر عقلا اطلاق می‌شود، حمل بر بت‌ها کنیم. زیرا در لغت عرب کلمه «الَّذِينَ» و ضمیر جمع مذکر بر بت اطلاق نشود؛ به اضافه روز قیامت بتی نیست که اعراض و انکار کند که چرا مشرک شدید.

پس این آیه می‌گوید، بزرگان و عقلا را نخوانید، و در سوره احقاف آیه ۵ و ۶ فرموده:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾﴾.

یعنی: «و کسیت گمراه تر از آنکه غیر خدا را می خواند، آن کسی را می خواند که اجابت او نمی کند تا قیامت؛ و آنان از دعای ایشان آگاه نیستند. و چون مردم در قیامت محشور شوند، آنان برای ایشان دشمنند و به عبادت ایشان کافر و منکر بوده اند».

و در سوره نحل آیه ی ۲۰ و ۲۱ فرموده:

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٠﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿١١﴾﴾.

یعنی: «و آنانی را که غیر از خدا می خوانند چیزی را خلق نمی کنند و خود ایشان مخلوقند. مردگانی غیر زنده، و درک نمی کنند که کی [برای قیامت] برانگیخته می شوند».

یعنی: آنکه چیزی خلق نکرده، و خود مخلوق است و به اضافه از ساعت قیامت و حشر خبر ندارد، نباید خواند. و به اتفاق آیات قرآن، پیغمبر اسلام خبر از حشر نداشته و ساعت قیامت را نمی دانسته، پس نباید او را خواند، چه برسد به بندگان دیگر.

در سوره ی اسراء آیه ی ۵۶ و ۵۷ فرموده:

﴿قُلْ أَدْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾﴾.

یعنی: «بگو: غیر از خدا آن کسانی را که گمان می برید [از آنها کاری برایتان ساخته است] بخوانید، آنان مالک و توانایی بر طرف کردن ضرر از شما نیستند و تغییری نتوانند. آن کسانی را که ایشان [آنان را به معبودی] می خوانند، خودشان به سوی پروردگارشان وسیله ی (تقرب) می جویند، که کدام یک از آنها نزدیکتر و مقرب ترند، و امید به رحمت او دارند و از عذاب او می ترسند، بی گمان عذاب پروردگارت حذر کردنی است». و مانند این آیات که در سوره اعراف آیه ۱۹۴ می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ﴾.

«محققاً آنان را که از غیر خدا می خوانید بندگانمانند شمایند».

ما نمی‌دانیم کسانی که امام و یا رسول و یا امامزاده را می‌خوانند، جواب این آیات را چه می‌دهند؟ آیا این آیات از قرآن نیست؟ آیا بزرگان دین گفته‌اند ما را بخوانید و بر خلاف قرآن رفتار کنید؟ آیا با دعاهای مجعوله می‌توان قرآن را رد کرد؟ و آیا پیغمبر و امام بشرند، و با گوش می‌شنوند و یا خیر، نه چشم دارند و نه گوش و بدون چشم و گوش می‌شنوند؟ اگر چنین باشد پس خلقت چشم و گوش در بدن ایشان لغو بوده است. و آیا خودشان گفته‌اند که پس از دفن شدن چشم و گوش، باز هم می‌شنویم و می‌بینیم؟

[توضیح در باره استمداد برادران یوسف علیه السلام از پدرشان]

آیا این کسانی که در دعاهای شرکيه غير خدا را می‌خوانند برای این کار خود دلیلی دارند؟ اینان برای خود بهانه‌ای تراشیده‌اند بنام دلیل که عوام را گول بزنند، و گاهی می‌گویند چگونه فرزندان یعقوب حضرت یعقوب را خواندند و گفتند: ﴿يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي. [یوسف: ۹۷-۹۸] یعنی: «ای پدر، برای گناه ما آمرزش بخواه، زیرا ما خطاکار بودیم. [یعقوب] گفت: به زودی از پروردگارم برای شما طلب آمرزش می‌کنم».

در جواب ایشان باید گفت:

اولاً- حضرت یعقوب زنده بود، نه مرده و چون او را آزرده بودند، و یوسف او را برده بودند، و چهل سال او را اذیت کرده بودند، وظیفه‌شان این بود که بروند از او معذرت بجویند، و او را وادار کنند، که از خدا برایشان طلب مغفرت کند. و این وظیفه هر مسلمانی است که اگر کسی را اذیت کرده، برود به او التماس کند تا او از خدا برایش آمرزش بخواهد. و این مربوط به این مسأله نیست، زیرا خواندن یعقوب زنده‌ی حاضر، خواندن و درخواست متعارفی است که ما گفتیم این خواندن مدعو غیبی نیست. آیا اگر حضرت یعقوب از دنیا رفته بود، می‌توانستند به او بگویند: ﴿يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا...﴾ و اگر می‌گفتند آیا یعقوب می‌شنید و جواب می‌داد؟ البته خیر.

پس قیاس حاضر به غایب و آنکه را وفات نکرده به کسی که وفات کرده، صحیح نیست. بحث ما این است که امام و یا رسولی که حاضر نیست، و از دنیا بی خبر است و در بهشت برزخی ساکن است و آنجا از هم و غم دنیا بی خبر است، آیا می توان خواند؟ و آیا او جواب می دهد؟

ثانیا- حضرت یعقوب به فرزندان می گوید:

﴿وَمَا أَعْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾ [یوسف: ۶۷].

یعنی: «ای فرزندان من، هیچگونه کاری از طرف خدا برای شما نمی توانم».

چگونه آن کلام یعقوب را قبول دارید ولی این کلام را که آب پاکی بدستشان داده و فرموده من کاری نتوانم قبول ندارید، و یا بی خبرید؟^(۱)

[آیا امام همه زبان ها را می داند و همه وقت در همه جا حاضر است؟]

آیا از رسول خدا ﷺ و یا امام خبری رسیده که ما را بخوانید؟ در صورتی که قطعاً چنین خبری وجود ندارد.

آیا اگر مردم پیغمبر و یا امام را بخوانند ایشان به همه گوش می دهند؟ و آیا همه جا حاضرند و آیا صوت آن یکی مانع از صوت دیگر نیست؟ آیا اینان صفات خدا را دارند و با خدا شریکند که «لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ وَلَا صَوْتُ عَنْ صَوْتٍ»^(۲)!

آیا آن رسول و امام مجبورند که هر کس صدایشان کرد بشنوند و فوری اطاعت کنند، و برای همه کس واسطه شوند؟ هزاران دعای مجعول را به امام زمان بسته اند در صورتی که می گویند، آن امام گفته:

۱- برای رد تفصیلی این شبهه، به کتاب مولف، تضاد مفاتیح الجنان با قرآن، رجوع کنید. [مصحح]

۲- یعنی: «کسی که مشغول نمی گرداند او را کاری از کاری دیگر، و نه صوتی مانع شنیدن صوت دیگر

می شود». [ترجمه توسط مُصحح]

«مَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ فَهُوَ مُفْتَرٍ كَذَّابٌ».

یعنی: «هر کس در زمان غیبت کبری ادعای مشاهده مرا نماید، افترا زده و کذاب است». و غالب دعاهای امام زمان را از قول او در زمان غیبت کبری نقل کرده‌اند.

[توضیح درباره‌ی آیه‌ی ﴿وَأَسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ﴾]

و گاهی می‌گویند؛ چون خدا راجع به منافقین در سوره‌ی نساء آیه ۶۴ فرموده:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾.

یعنی: «و اگر این منافقین در وقتی که به خود ستم کردند [و به حکم و قضاوت تو راضی نبودند و پشت سر تو بدگویی کردند] نزد تو آمده بودند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و رسول برای ایشان از خدا آمرزش خواسته بود، هر آینه خدا را توبه‌پذیر و رحیم یافته بودند».

سپس نتیجه می‌گیرند هر مسلمانی باید برود نزد رسول خدا ﷺ در هر کاری که به خدا دارد در هر زمانی.

جواب این است که:

اولاً- طرف سخن در آیه با منافقین است که رسول خدا ﷺ را اذیت کرده بودند، و وظیفه ایشان بوده که و عذرخواهی کنند. و این مربوط به سایر مسلمین نیست.

ثانیاً: خدا نفرموده بروید نزد رسول بلکه فرموده اگر منافقین می‌آمدند. پس به آنان که وظیفه داشتند نزد رسول خدا ﷺ بروند نفرموده بروید، چه برسد به دیگران.

ثالثاً: در آن وقت ممکن بود نزد رسول خدا ﷺ بروند؛ چون زنده و میان مردم بود، اما زمان بعد ممکن نیست کسی نزد رسول خدا ﷺ برود، زیرا از دنیا رفته و در عالم باقی است، و از عالم فانی و غصه‌ها و رنج‌های آن بی‌خبر است.

پس قیاس مع الفارق است، و امیر المؤمنین در نهج البلاغه می‌گوید، خدا رسول خود را از میان مردم برد. در کلمه ۸۸ کلمات قصار: «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رَفَعَ

أَحَدُهُمَا فَدُونَكُمْ الْآخَرَ، فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي، فَلَا اسْتِغْفَارَ...»^(۱).

[آیا خدا وزیر دارد؟]

و گاهی می گویند؛ اگر کسی بخواهد سلطانی را ملاقات کند، باید نزد وزیر و یا مأمور دیگری برود، ما هم هر وقت به خدا کاری داریم باید به مقربین او مراجعه کنیم. جواب این است که:

چون سلطان همه جا حاضر نیست و از حال رعیت خبر ندارد و اگر رعیت نزد او برود ممکن است به او دروغ بگوید، و بر خلاف واقع عرضی کند، و لذا ناچار باید به مأمورین و وزراء مراجعه کند. ولی خداوند چنین نیست. خود همه جا حاضر و از حال بندگان مطلع و حاجت آن‌ها را می‌داند، و خود فرموده، من از رگ گردن به شما نزدیکترم^(۲).

به اضافه، خدا را نباید تشبیه به شاه و یا مخلوقات دیگر نمود، و در قرآن فرموده: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ [الشوری: ۱۱]. «مانند او چیزی نیست». و رسول خدا و ائمه فرموده‌اند: «مَنْ شَبَّهَ الْخَالِقَ بِالْمَخْلُوقِ فَهُوَ مُشْرِكٌ»^(۳). یعنی: «کسی که خدا را به مخلوق تشبیه کند، مشرک است».

۱- یعنی: «دو امان از عذاب خدا در زمین بود، یکی از آنها برداشته شد، پس دیگری را که باقی مانده بگیرید و به آن چنگ بزنید. اما امانی که برداشته شد رسول خدا ﷺ است. و اما امانی که باقی است استغفار است». در ادامه آن می‌فرماید: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳] «ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند». [مُصَحَّح]

۲- ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ف: ۱۶] «و ما از رگ گردن به انسان نزدیکتریم».

۳- آثاری از امام صادق و امام رضا بدین معنی روایت شده است، و لفظ آن بدین صورت است: «مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ» نگا: ابن بابویه قمی، التوحید، ص ۸۰ و عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۴. [مُصَحَّح]

شما چرا توحید خود را آلوده به شرک می‌سازید؟ خدا احتیاج به امیر و وزیر ندارد. و خود دستور داده که او را بخوانند. اگر سلطانی به رعیت خود بگوید؛ هر حاجتی داری به خود من مراجعه کن، آیا سزاوار است رعیت اعتنا نکند و بگوید؛ خیر من باید به وزیر مراجعه کنم؟!

[وسيله قرار دادن نيکان شرک است]

و یا می‌گویند، ما مقربان در گاه خدا را می‌خوانیم تا وسیله باشند. و خدا در قرآن فرموده:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: ۳۵]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به سوی او وسیله بجوید».

جواب این است که:

اولاً- خدا در این آیه فرموده وسیله بجوید، و فرموده وسیله را در حوائج خود بخوانید. وسیله جستی است نه خواندنی، که نه تنها در تقرب به خدا بلکه تهیه خوراک و پوشاک و مسکن و در کسب و تجارت و زراعت و غیره انسان محتاج وسائل است. انبیاء و اوصیاء در دعا و عرض حاجت به خدا وسیله نیستند. خدا دور نیست تا محتاج به وساطت ایشان باشد. و برای دعا و عرض حاجت، خود انبیاء فرموده‌اند ما واسطه یا وسیله هستیم بلکه فرموده‌اند خواندن غیر خدا موجب هلاکت و نابودی است. چنانکه حضرت سجاد در دعای ابوحمزه عرض می‌کند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخِيبَ دُعَائِي»^(۱).

۱- «سپاس خدایی را که او را به فریاد می‌طلبم و کسی دیگر را به فریادرسی نمی‌خوانم و اگر کسی دیگر را به فریادرسی بخوانم، مرا نا امیدگردانده و دعایم را استجابت نمی‌کند». [مُصحح]

ثانیا- آیه: ﴿وَأَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ [المائدة: ۳۵]. خطاب به رسول الله و سایر مؤمنین است. باید دید رسول الله ﷺ و علی علیه السلام به این آیه چگونه عمل کرده‌اند؟ آیا چه وسیله‌ای می‌جستند؟ رسول خدا ﷺ عرض می‌کند:

«إِلَهِي! وَسِيلَتِي إِلَيْكَ إِيمَانِي بِكَ» یعنی: «خدایا، وسیله من ایمان من است».

و علی علیه السلام در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه می‌فرماید:

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ، الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ...»^(۱).

و در دعای کمیل عرض می‌کند: «وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ». یعنی: «خدایا، توسل من به ربوبیت تو است».

و در مناجات ماه شعبان عرض می‌کند:

«وَجَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي». یعنی: «اقرار به گناه وسیله من است».

و امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه عرض می‌کند:

«إِلَهِي... بِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي». یعنی: «الهی،... با دعایم بسویت متوسل می‌شوم».

پس وسیله، ایمان و تقوی و دعا و عبادت است نه اشخاص مقربین.

به اضافه، ایمان و تقوی و عبادت را می‌توان جست و تهیه کرد. اما بندگان مقربین را نمی‌توان جست و تهیه نمود. زیرا آنان از دنیا رفته‌اند و جستن آنان مقدور نیست، و تکلیف الهی تابع قدرت است. پس بندگان مقرب مطیع ما و شما نیستند و اصلا از احوال ما خبر ندارند تا فوری بیایند و برای ما واسطه شوند و بروند.

[در دعاها باطل بخدا اهانت می‌شود]

و از مفاسد دیگر دعاهاى مجعوله این است که صفات و اسمائی برای خداوند ذکر شده که لایق مقام الهی نیست. مثلا: در دعای پنجم رجبیه در مفاتیح به خداوند می‌گوید:

۱- «همانا بهترین چیزی که متوسلان به خداوند به آن توسل جستند عبارت است از: ایمان به خدا و

رسول او، و جهاد در راه او...». [مُصحح]

«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُهَا وَرَتَقُهَا بِيَدِكَ».

یعنی: «خداایا، بین تو و والیان امرت فرقی نیست جز اینکه آنان بندگان و مخلوق تو اند. و پاره کردن و دوختن آنان بدست تو است». و ضمیر مؤنث برای والیان بکار برده است.

و مثلاً در دعای هشتم خمسة عشر به خدا عرض می کند:

«وَصَلِّكَ مِنِّي نَفْسِي».

یعنی: «(خداایا) وصل شدن به تو آرزوی نفس من است».

خداوند وصل و فصل ندارد. یا مثلاً در دعای ندبه به امام می گوید:

«يَا ابْنَ يَسِّ وَالذَّارِيَاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ».

یعنی: «ای پسر یس و ذاریات (بادهای وزنده)، ای پسر طور و عادیات (اسبان دونده)».

یک عده از عالم نمایان این عبارات مهمل را به زور تقدیر و تأویل تصحیح می کنند، و حال آنکه این کار صحیحی نیست. زیرا هر کفری را می توان به زور تأویل و تقدیر، حمل به ایمان نمود.

[قرآن بهترین پناهگاه]

به هر حال، اکثر دعاهاى مجعوله و زیارات موضوعه با قرآن مخالف است، و چون ملت ما را از قرآن دور و بی خبر داشته اند، متوجه این چیزها نیستند. پس بر هر مسلمانی واجب است تا اندازه ای که می تواند با قرآن آشنا شود. زیرا تدبیر در کتاب آسمانی لازم و دوری از آن، موجب هلاکت و غرق شدن در خرافات دینی است. و یکی از وسائل آشنا شدن به آیات قرآن این است که دعاهاى قرآن را انسان حفظ کند. و در موقع مناجات و دعا و عرض حاجت بخواند. امیرالمؤمنین فرموده: کسی که قرآن دارد، به چیز دیگری احتیاج ندارد و از هر کتابی بی نیاز است.

متأسفانه دیدم یک نفر جاهلی دعاهاى قرآن را جمع کرده و چاپ کرده و به دست مردم داده تا بخوانند. اما غفلت کرده که دعاهاىی که مناسب خواندن هر کس نیست و یا موجب تمسخر شنونده می شود، آورده. مثلاً دعایی که زن عمران خوانده: ﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ

لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ﴿﴾ [آل عمران: ۳۵] را آورده، حال اگر مردی این دعا را بخواند که خدایا، من نذر کردم که آنچه در شکم می‌باشد برای تو آزاد کنم از من بپذیر و یا دعاهایی که کفار در دوزخ می‌خوانند آورده که مردم بخوانند که مناسب نیست.

به هر حال کاری که جاهل انجام دهد بهتر از این نمی‌شود. ولی ما در این اوراق دعاهایی از قرآن آورده‌ایم که همه کس بتواند بخواند، اول دعاهایی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده و پس از آن دعاهایی که ابتدا به ﴿رَبِّ﴾ شده و پس از آن دعاها، چند آیه از آیاتی که خواندن آن برای همه کس مفید و لازم است و در هر حال چه در نماز و چه وقت کسب و کار و چه وقت خواب می‌توان آنها را قرائت کرد. هم ثواب تلاوت قرآن دارد و هم ثواب دعا و ذکر.

فصل پنجم

دعاهای قرآنی که ابتدا به ﴿رَبَّنَا﴾ شده

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۸ و آن دعایی است که حضرت ابراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل خوانده‌اند و مناسب است که خواننده در حال خواندن یک نفر دیگر را نیز در نظر بگیرد.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (۱۲۸)

«پروردگارا، ما را تسلیم خودت قرار ده و ذریه ما را نیز امتی که تسلیم تو باشد قرار بده و عبادات ما را به ما یاد بده و توبه ما را بپذیر، زیرا فقط تو توبه‌پذیر و رحیمی».

و آیه ۱۲۷:

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

«پروردگارا، از ما بپذیر زیرا فقط تو شنوای دانایی».

۲- سوره بقره، آیه ۲۰۱:

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

«پروردگارا، ما را در دنیا نیکی عطا فرما و در آخرت نیکی عطا فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ حفظ فرما».

۳- سوره بقره، آیه ۲۵۰:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

«پروردگارا، صبر و شکیبایی بر ما بریز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر قوم کفار نصرت بده».

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

«پروردگارا، ما را مؤاخذه مفرما، اگر فراموش کردیم و یا خطا نمودیم، حکم مشکل را بر ما و عهده ما مگذار چنانکه بر کسان پیش از ما گذاردی. پروردگارا، بر عهده ما مگذار آنچه را که به آن توانا نیستیم، و از ما بگذر و ما را بیامرزد و ترحم نما. تویی مولای ما پس ما را بر قوم کفار یاری نما».

۵- سوره آل عمران، آیه ۸ و ۹:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿۸﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۹﴾﴾.

«پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت نمودی دل‌های ما را به باطل متمایل مگردان، و از نزد خود ما را رحمتی بخشای زیرا فقط تو بخشاینده‌ای. پروردگارا، تو جمع خواهی کرد مردم را برای روزی که در آن شکی نیست زیرا خدا وعده را خلاف نمی‌کند».

۶- سوره آل عمران، آیه ۱۶:

﴿رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.

«پروردگارا، حقا ما ایمان آورده‌ایم پس گناهان ما را بیامرزد و از عذاب آتش دوزخ ما را حفظ کن».

۷- سوره آل عمران، آیه ۵۳:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾.

«پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم به آنچه نازل نمودی و پیروی رسول تو کردیم، پس ما را با گواهان بنویس».

۸- سورة آل عمران، آیه ۱۴۷:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

«پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی در کار ما را بیامرز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر کفار یاری ده».

۹- سورة آل عمران، آیه ۱۹۱ تا ۱۹۴:

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۹۱﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿۱۹۲﴾ رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَنِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْآبْرَارِ ﴿۱۹۳﴾ رَبَّنَا وَعَآئِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿۱۹۴﴾﴾

«پروردگارا، این جهان را به باطل خلق نفرمودی تو منزهی، پس ما را از عذاب آتش حفظ فرما. پروردگارا، محققاً کسی را که داخل آتش کنی خوارش کرده‌ای و برای ستمگران یاورانی نیست. پروردگارا، ما شنیدیم که نداکننده‌ای به سوی ایمان ندا می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا، برای ما گناهان ما را بیامرز و بدی‌های ما را جبران نما و ما را با نیکان بمیران. پروردگارا، آنچه به ما وعده دادی بر پیمبرانت ما را عطا فرما و روز قیامت ما را خوار مکن به راستی که تو وعده را تخلف نمی‌کنی».

۱۰- سورة نساء، آیه ۷۵:

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾

«پروردگارا، ما را از این قریه (و شهری که) اهل آن ستمگرند بیرون بر، و از نزد خود برای ما سرپرستی قرار بده و از نزد خود برای ما یآوری قرار ده».

۱۱- سورة مائده، آیه ۸۳:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم؛ پس ما را از گواهان بنویس.»

۱۲- سورة اعراف، آیه ۲۳:

﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

«پروردگارا، ما بر خود ستم نمودیم و اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی، البته از زیانکاران خواهیم بود.»

۱۳- سورة اعراف، آیه ۴۷:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

«پروردگارا، ما را با ستمگران قرار مده.»

۱۴- سورة اعراف، آیه ۸۹:

﴿رَبَّنَا أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾

«پروردگارا، بین ما و قوم ما را به حق راهی باز کن؛ زیرا تو بهترین بازکنندگانی.»

۱۵- سورة اعراف، آیه ۱۲۶:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾

«پروردگارا، صبر و شکیبایی را بر ما بریز و ما را مسلمان بمیران.»

۱۶- سورة یونس، آیه ۸۵ و ۸۶:

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۸۵﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۸۶﴾﴾

«پروردگارا، ما را وسیله امتحان برای قوم ستمگران قرار مده، و به رحمت خود ما را از قوم کفار نجات بده.»

۱۷- سورة ابراهیم، آیه ۳۸:

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾

«پروردگارا، محققاً تو می دانی آنچه را پنهان می کنیم و آنچه را آشکار می کنیم و

چیزی در آسمان و زمین بر خدا پنهان نیست».

۱۸- سورة ابراهيم آيات ۴۰ و ۴۱:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿۴۰﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿۴۱﴾﴾

«پروردگارا، مرا و اولادم را پیادارنده نماز قرار ده، پروردگارا، و بپذیر دعای مرا. پروردگارا، مرا و والدین مرا و مؤمنین را بیامرز روزی که حساب بر پا می شود».

۱۹- سورة كهف، آیه ۱۰:

﴿رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾

«پروردگارا، ما را از نزد خود رحمتی عطا فرما، و امر ما را به هدایت و رشد موفق بدار».

۲۰- سورة مؤنون، آیه ۱۰۹:

﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

«پروردگارا، ما ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و رحم نما و تو بهترین رحم کننده گانی».

۲۱- سورة فرقان، آیه ۶۵:

﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾

«پروردگارا، عذاب دوزخ را از ما بگردان زیرا عذاب دوزخ دائمی است».

۲۲- سورة فرقان، آیه ۷۴:

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾

«پروردگارا، از همسران و فرزندانمان که نور چشم باشند به ما عطا فرما و ما را برای متقین پیشوا قرار ده».

۲۳- سورة غافر آيات ۷ و ۸ و ۹:

﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۸﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۹﴾﴾

«پروردگارا، تو به رحمت و دانش هر چیز را فرا گرفته‌ای، پس کسانی را که توبه کرده و پیروی راه تو کردند بیمارز و از عذاب دوزخ نگاهشان بدار. پروردگارا، و ایشان را به باغ‌های دائمی که به ایشان وعده داده‌ای وارد ساز و کسانی که شایسته‌اند از پدران و زنان و فرزندان‌شان را وارد بهشت ساز به درستی که تو عزیز و حکیمی و از بدی‌ها نگاهشان دار و آنکه را تو از بدی‌ها نگاهداری حقیقتاً به او رحم کرده‌ای، و این است همان کامیابی بزرگ».

۲۴- سورة الدخان آیه ۱۲:

﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾﴾

«پروردگارا، عذاب را از ما برطرف کن زیرا ما ایمان آورده‌ایم».
این آیه را در موقع گرفتاری و ابتلاء بخواند.

۲۵- الحشر، آیه ۱۰:

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾﴾

«پروردگارا، ما و برادران ما که پیش از ما به ایمان سبقت گرفتند بیمارز و در دل‌های ما برای اهل ایمان کینه قرار مده؛ پروردگارا، به راستی که تویی مهربان رحیم».

۲۶- سورة ممتحنه، آیات ۴ و ۵:

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۴﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۵﴾﴾

«پروردگارا، بر تو توکل کردیم و به سوی تو زاری می‌کنیم و به سوی تو برگشت ما است. پروردگارا، ما را وسیله آزمایش و امتحان کافران قرار مده و ما را بیمارز، پروردگارا، به راستی که فقط تو عزیز حکیمی».

۲۷- سورة تحریم آیه ۸:

﴿رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَأَعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۸﴾﴾

«پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و ما را بیمارز به درستی که تو بر هر چیزی توانایی».

دعاهای قرآنی که به کلمه ﴿رَبِّ﴾ ابتداء شده است

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۶:

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَّارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾

«پروردگارا، این شهر را شهر امن بگردان و اهل آن را از میوه‌جات روزی گردان».

۲- سوره آل عمران، آیه ۳۸:

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾

«پروردگارا، مرا از نزد خود فرزندی بخشای که پاکیزه باشد به راستی که تو شنونده دعایی».

۳- سوره اعراف، آیه ۱۵۱:

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾

«پروردگارا، مرا و برادر مرا بیمارز و ما را در رحمت خود داخل نما و تویی بهترین رحم‌کنندگان».

۴- سوره هود، آیه ۴۷:

﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

«پروردگارا، حقا که من به تو پناه می‌برم از آنکه از تو بخواهم آنچه را که به آن علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و رحم نکنی از زیانکاران می‌باشم».

۵- سوره ابراهیم، آیه ۳۵:

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَّاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾

«پروردگارا، این شهر را امن بگردان و من و فرزندانم را از بندگی بتان دور بدار».

۶- سوره اسراء، آیه ۸۰:

﴿رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيرًا﴾

«پروردگارا، درون بر، درون بردن نیک و برون بر، برون بردن نیک و برایم از نزد

خود دلیلی نصرت آور مقرر مدار».

۷- سورة اسراء، آیه ۲۴:

﴿رَبِّ اَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾.

«پروردگارا، والدینم را رحم فرما، چنانکه در کوچکی مرا تربیت کردند».

۸- سورة مریم، آیه ۴:

﴿رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاُسْتَعَلَّ الرَّاسُ شَيْبًا وَّلَمْ اَكُنْ بِدُعَايِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾.

«پروردگارا، به راستی استخوانم سست شده و پیری سرم را مشتعل (سفید) نموده و من به خواندن تو بی بهره نبوده‌ام».

۹- سورة طه آیات ۲۵، ۲۶ و ۲۷:

﴿رَبِّ اَشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿۲۵﴾ وَبَسِّرْ لِي اَمْرِي ﴿۲۶﴾ وَاَحْلِلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي ﴿۲۷﴾﴾.

«پروردگارا، سینه‌مرا بگشا و امر مرا آسان کن و گره از زبانم باز کن».

۱۰- سورة طه، آیه ۱۱۴:

﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾.

«پروردگارا، دانش مرا زیاد کن».

۱۱- سورة انبیاء، آیه ۸۹:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ﴾.

«پروردگارا، مرا تنها مگذا و تویی بهترین ارث برندگان».

۱۲- سورة مؤمنون، آیه ۲۶:

﴿رَبِّ اَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي﴾.

«پروردگارا، مرا یاری کن در مقابل آنچه مرا تکذیب کردند».

۱۳- سورة مؤمنون، آیات ۲۹، ۹۴، ۹۷، ۹۸ و ۱۱۸:

﴿رَبِّ اَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ﴾. ﴿رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي

الْقَوْمِ الظَّالِمِيْنَ﴾. ﴿رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿۹۷﴾ وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ

اَنْ يَّحْضُرُونِ ﴿۹۸﴾﴾. ﴿رَبِّ اَغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِيْنَ﴾.

«پروردگارا، مرا نازل کن به منزل با برکت و تویی بهترین نازل کنندگان» (این آیه را در سفر خواند). «پروردگارا، مرا در میان ستمگران قرار مده». «پروردگارا، به تو پناه می‌برم از وساوس شیاطین و به تو پناه می‌برم، پروردگارا، از اینکه نزد من آیند». «پروردگارا، مرا بیامرز و رحم نما و تویی بهترین رحم کنندگان».

۱۴- سوره شعراء، آیات ۸۳، ۸۴ و ۸۵:

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْ لِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾﴾.

«پروردگارا، مرا کمالی عطا کن و مرا به شایستگان ملحق فرما، و برای من ثنا و نام نیک در میان آیندگان قرار ده، و مرا از ورثه بهشت پر نعمت قرار ده».

۱۵- سوره شعراء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸:

﴿رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَأَفْتَحْ بَيْتِي وَيَبْنِهِمْ فَتَحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾﴾.

«پروردگارا، به راستی که قوم من مرا تکذیب کردند. پس بین من و ایشان راهی بگشا و مرا با کسانی از اهل ایمان، که با منند نجات مرحمت کن».

۱۶- سوره شعراء، آیات ۱۶۹:

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾.

«پروردگارا، مرا و بستگان مرا از آنچه مردم می‌کنند نجات بده».

۱۷- سوره نمل، آیه ۱۹:

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا موفق فرما تا نعمتی را که به من و به والدین من عنایت کرده‌ای شکر نمایم و تا عمل شایسته‌ای که می‌پسندی بجا آرم و مرا در میان بندگان شایسته‌ات وارد ساز».

۱۸- سوره قصص، آیه ۱۶:

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ﴾.

«پروردگارا، من به خود ستم نمودم مرا بیامرز».

۱۹- سورة قصص، آیه ۲۴:

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾.

«پروردگارا، همانا من به آنچه از خیر برایم بفرستی محتاجم».

۲۰- سورة قصص، آیه ۲۱:

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا از قوم ستمگران نجات ده».

۲۱- سورة عنكبوت، آیه ۳۰:

﴿رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا بر (دفع) قوم مفسدین یاری نما».

۲۲- سورة صافات، آیه ۱۰۰:

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾.

«پروردگارا، مرا از شایستگان عطا فرما».

۲۳- سورة تحریم، آیه ۱۱:

﴿رَبِّ أَبْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾.

«پروردگارا، برایم نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن».

۲۴- سورة نوح، آیه ۲۶:

﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكٰفِرِينَ دَيَّارًا﴾.

«پروردگارا، در روی زمین احدی از کفار را مگذار».

۲۵- سورة نوح، آیه ۲۸:

﴿رَبِّ أَعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾.

«پروردگارا، من و والدینم و هر کس به خانه من وارد شود در حال ایمان، و مؤمنین

و مؤمنات را بیامرز، و برای ستمگران جز هلاکت میفزای».

بعضی از آیاتی که قرائت آن بسیار مفید است

۱- سوره بقره، آیات ۲۵۵-۲۵۷: (آیه الکرسی [و آیات بعد از آن])

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۲۵۵﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۵۶﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵۷﴾﴾

«خدای [کامل الذات والصفات] که معبود [و ملجأ] جز او نیست، زنده و برپادارنده غیر است، او را چرت و خواب نمی گیرد، ملک اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، کیست که شفاعت کند در پیشگاه او بدون اذن و اراده او؟ او می داند آنچه در جلو ایشان و پشت ایشان است، و به چیزی از دانش او احاطه ندارند، جز آنچه او بخواهد، کرسی او فرا گرفته آسمانها و زمین را، و نگهداری آنها او را خسته نمی کند، و اوست والا و بزرگ. در دین اکراه و اجباری نیست، به تحقیق راه رشد از ضلالت روشن و متمایز شده. پس هر کس به طاغوت کافر و به خدا ایمان آورد، پس حقیقتاً چنگ به رشته محکمی زده که برای آن رشته جدا شدن و گسستگی نیست، و خدا شنوای داناست. خدا ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورند، ایشان را از تاریکی ها بیرون می برد به سوی نور، و آنان که کافر شدند سرپرستان طاغوت است که ایشان را از نور خارج می کند به سوی ظلمات، ایشانند اهل آتش و ایشان در آن جاوید بمانند.»

۲- سورة آل عمران، آیات ۲-۴:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۲﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۳﴾ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ﴿۴﴾﴾
«خدای [کامل الذات والصفاتی] که معبودی بحق جز نیست، زنده و برپادارنده [غیر] است. این کتاب را به حق، بر تو نازل نمود که تصدیق کننده آنچه [از کتاب های آسمانی] است که پیش از آن بوده، و تورات و انجیل را پیش از آن، برای هدایت مردم فرو فرستاد، و [نیز] فرقان را نازل نمود».

۳- سورة آل عمران، آیات ۱۸-۱۹:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۸﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۱۹﴾﴾

«خدا که قائم به عدالت است، گواهی داده که معبود و ملجأی جز او نیست، و فرشتگان و دانشمندان [نیز گواهی دادند]. معبود و ملجأی جز نیست او که عزیز و حکیم است. به راستی دین نزد خدا اسلام است، و آنان که به ایشان کتاب [آسمانی] داده شده، اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه علم و آگاهی برای آنان آمد، آن هم بخاطر سرکشی و حسدی که میان آنان بود. و هر کس به آیات خدا کافر گردد، پس محققاً خدا سریع الحساب [زود شمار] است [و به حساب او می رسد].»

۴- سورة نساء، آیه ۸۷:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

«خدایی که هیچ معبود و پناهی جز او نیست، و یقیناً همه ی شما را در روز قیامت، که شکی در آن نیست، جمع می کند، و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟».

۵- سورة توبه، آیه ۱۲۹:

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾.

«پس اگر اعراض کردند بگو: خدا مرا کافی است، نیست معبود برحق جز او، بر او توکل کرده‌ام و اوست پروردگار عرش بزرگ».

۶- سورة طه، آیه ۸:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾.

«خدائی که الهی جز او نیست، مخصوص اوست نام‌های نیک».

۷- سورة الحشر آیات ۲۲-۲۴:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ﴾.

«اوست خدایی که معبود و ملجأی جز او نیست، دانای غیب و آشکار است، اوست رحمن رحیم. اوست خدایی که معبودی و ملجأی جز او نیست، پادشاهی نهایت پاک، منزّه [و سالم از هر عیب]، ایمنی‌بخش، نگهبان پیروزمند، جبار [جبران‌کننده] و با تکبر است. خدای [کامل الذات والصفات] از آنچه [برای او] شریک می‌آورند منزّه است. اوست خدای آفریننده هستی، دهنده صورت‌گری که نام‌های نیکو مخصوص اوست. آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او تسبیح می‌کنند، و اوست شکست‌ناپذیر حکیم».

۸- سورة تغابن، آیه ۱۳:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾.

«خدای [مستجمع جمیع کمالات]، جز او معبود به حق نیست؛ و مؤمنان باید بر خدا توکل کنند».

این آیات که مشتمل بر اسماء حُسنای الهی و قرائت آن مفید است ضمیمه دعاهای قرآنی شد تا مؤمنین و مؤمنات حفظ کنند و فوائد بسیاری ببرند. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ.

سید ابوالفضل ابن الرضا
(علامة برقی)



سوانح ایام

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

زندگینامه‌ی خودنوشت مرحوم ابوالفضل برقعی، از سردمداران مبارزه با خرافات و بدعت‌های شیعه در ایران معاصر است. کتاب حاضر از آن نظر حایز اهمیت است که تاریخ تحولات سیاسی- مذهبی ایران معاصر را در دوران حکومت پهلوی (رضا و محمدرضا شاه) پس از انقلاب ایران تا سال هفتاد شمسی روایت کرده و نقش و موضع‌گیری روحانیون شیعه را در قبال رویدادهای مختلف جامعه‌ی ایران شرح و تحلیل می‌کند و پرده از حقایق برمی‌دارد که برای بسیاری از خوانندگان، مجهول بوده‌اند. بنابراین، «سوانح ایام» علاوه بر اینکه شرح حال شخصی علامه برقعی است، بیان ناگفته‌های تاریخی و پرده‌برداری از چهره‌ی حقیقی حکومت به ظاهر اسلامی ایران نیز می‌باشد. نویسنده پس از معرفی نسب و خاندان خود، شمّه‌ای از دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و سپس آموزش‌های حوزوی خود را شرح می‌دهد. بیان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی او در دوران جوانی، معرفی اساتید حوزوی و متن اجازه‌های نقل حدیث از ایشان در ادامه‌ی کتاب آمده است. شرح ملاقات‌ها و صحبت‌های برقعی با بسیاری از روحانیون سرشناس شیعه و نامه‌نگاری با بسیاری از آنها - از جمله خمینی و خامنه‌ای - بخش مهمی از کتاب است، که صفحات زیادی را به خود اختصاص داده است. فصل‌های پایانی کتاب، به نحوه‌ی برخورد حکومت ایران با او و شرح آزار و اذیت‌ها، حوادث زندان و ترور نافرجام وی اختصاص دارد.



عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

پژوهشی جامع درباره‌ی احادیث «اصول کافی» و ذکر موارد مغایرت آن با قرآن، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و موازین عقل و منطق است. نویسنده، بسیاری از مندرجات اصول کافی را خلاف عقل و قرآن دانسته و در مقدمه‌ی نسبتاً مفصلی با بهره‌گیری از منابع دست اول شیعی، دلایل ارجحیت و حجیت قرآن را نسبت به سنت و روایات، به تفصیل بیان می‌کند. وی در ابتدا با بیانی موجز، شیوه‌ی تدوین احادیث شیعه را بیان داشته و علت و چگونگی ورود احادیث جعلی را به کتب و سپس تفکر شیعی شرح می‌دهد و انگیزه‌ها و عواملی را که به این نابسامانی دامن زده‌اند، بیان می‌کند. در ادامه، هر یک از ابواب اصول کافی را به تفکیک و در قالب ۱۸۲ فصل جداگانه بررسی نموده و احادیث جعلی آن را با ذکر دلایل قرآنی، سنت نبوی، روایات ائمه‌ی شیعه و بررسی سلسله روایات مشخص می‌سازد. این اثر، در کنار «صحیح کافی» محمد باقر بهبودی، یکی از مهم‌ترین آثار در پالایش و تنقیح اصول کافی کلینی است.



تضاد مفاتیح الجنان با قرآن

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

به بررسی و تحلیل ادعیهی «مفاتیح الجنان» شیخ عباس قمی و مقایسهی آن با ارزش‌ها و حقایق اسلام اختصاص دارد. نویسنده، کتاب را با معرفی و تحلیل و نقدِ قاعدهی «تسامح در ادله‌ی سنن» و حدیث «مَنْ بَلَغَهُ...» و ردّ این حدیث آغاز می‌کند. سپس شرح حالی از شیخ عباس قمی ارائه داده و انگیزه‌های او را از تألیف مفاتیح‌الجنان برمی‌شمرد. وی یکایک ادعیهی این کتاب را بررسی نموده و دعاهایی را که در تضاد با افکار و عقاید ناب اسلامی هستند، نقد می‌کند. او دعای کمیل، عشرات و سمات را با ارائه‌ی دلایل متعدد، دعاهایی می‌داند که دارای تعابیر صوفیانه و ناشر این مکتب هستند. در ادامه، به بحث دعاهای ناقص و معیوب می‌پردازد و از دعای مشلول، یستشیر، عدلیه، جوشن کبیر، جوشن صغیر و قاموس نام می‌برد. بررسی هشت شبهه‌ی مهم در توحید عبادت، بخش مفصل دیگری از کتاب را به خود اختصاص داده است. وی سپس دعای توسل، حرز امام زین‌العابدین و مناجات امیر المومنین را مورد مذاقه قرار می‌دهد. ادامه‌ی کتاب نیز بررسی بخش‌های دیگری از مفاتیح الجنان است که در تعارض با قرآن کریم و آموزه‌های اصیل دینی هستند.



بررسی علمی در اخبار مهدی

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

پژوهشی است در اخبار و احادیث منقول درباره‌ی مهدی - دوازدهمین امام شیعیان - و بررسی صحت و سقم آنها. نویسنده در این اثر می‌کوشد تا با بهره‌گیری از آیات قرآن، گزاره‌های تاریخی و روایات ائمه‌ی شیعه، اصالت وجود امام زمان را بررسی نماید. آغاز کتاب، مقاله‌ی مستقل کوتاهی است به قلم یکی از همفکران مؤلف (بدون ذکر نام) تا خواننده بدین صورت بتواند در مورد محتوای کتاب و جهت‌گیری آن، ذهنیتی کلی پیدا کند. نخستین فصل کتاب به بررسی روایات شیعی درباره‌ی مادر امام زمان و تولد و زندگی او اختصاص دارد. نویسنده، فصل بعد را به مسئله‌ی رجعت و کمّ و کیف آن و اتفاقاتی اختصاص داده است که شیعیان معتقدند پس از ظهور مهدی رخ خواهد داد. وی بلافاصله پس از نقل هر روایت، ضدیت آن را با موازین عقل و منطق و قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت به اثبات می‌رساند. در فصل بعد، آیاتی از قرآن را شرح و تفسیر می‌کند که مدعیان وجود مهدی به وی نسبت می‌دهند و سپس روایاتی را که به پیشگویی حوادث پس از مرگ او اختصاص دارد نقل می‌کند. او در ادامه، به احادیث اهل سنت در مورد مهدی می‌پردازد. از آنجا که مهم‌ترین اخبار و روایات در مورد مهدی، در بحار الانوار مجلسی آمده است، نویسنده به تفصیل، سی و دو باب مختلف بحار را بررسی و تک تک روایات آن را موشکافی کرده و سقم و ضعف آنها را به اثبات می‌رساند.



خرافات وفور در زیارات قبور

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

دیدگاه اسلام و قرآن را درباره‌ی زیارت قبور بررسی نموده و آن را با موازین عقلی می‌سنجد. کتاب با طرح پرسش‌هایی این چنین آغاز می‌شود که ارواح انبیا و اولیا پس از وفات کجا می‌روند و آیا آنان از زوآر خود مطلع می‌شوند. نویسنده ضمن پاسخگویی مستدل و منطقی به این پرسش‌ها، به موضوع شرعی بودن ساخت گنبد و بارگاه پرداخته و احادیث و روایاتی را که در این مورد از ائمه‌ی شیعه رسیده است، نقل می‌کند. در ادامه‌ی فصل‌های کتاب، روایاتی را که شیعیان درباره‌ی زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام، ائمه‌ی بقیع و حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند مطرح نموده و به پاسخگویی و احتجاج و استدلال علیه آنها می‌پردازد. سپس، زیاراتی را که از قول برخی بزرگان شیعه همچون شیخ مفید، صفوان، ابن طاووس، جابر جعفی، کفعمی، سید مرتضی و... نقل شده مورد مذاقه قرار داده و تناقض‌های آنها را با عقل و دین، برجسته می‌سازد. در پایان، مضرات و مفاصد دینی و اجتماعی‌ای را برمی‌شمارد که در نتیجه‌ی خرافه‌ی زیارت در جامعه‌ی شیعه شیوع یافته است.



شاهراه اتحاد (بررسی نصوص امامت)

حیدر علی قلمداران

پژوهشی جامع است که به بررسی نصوص و متون معتبر دینی (قرآن، احادیث و روایات) درباره‌ی مسئله امامت و نقد و تحلیل آنها اختصاص دارد. این کتاب، که یکی از مهم‌ترین آثار فارسی در زمینه‌ی نقد و عیارسنجی مفهوم امامت است، آن دسته از آیات قرآن را که شیعه دالّ بر حقانیت سلسله‌ی امامت می‌داند، شرح و تفسیر کرده و یکایک احادیث و اخبار رسیده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، صحابه‌ی کرام و ائمه‌ی شیعه را از لحاظ سند و راوی حدیث، به دقت بررسی نموده و پس از جدا کردن اخبار شاذّ و دروغ (که بخش اعظم این روایات را تشکیل می‌دهد) مفهوم و مصداق هر یک را تبیین می‌کند. نویسنده پس از بیان علل و ریشه‌های اصلی اختلاف و جدایی امت اسلام از یکدیگر، ماجرای سقیفه‌ی بنی ساعده و مذاکرات و رویدادهای آن را مورد مذاقه قرار داده و ضمن شرح مآوقع، کیفیت بیعت حضرت علی با ابوبکر صدیق رضی الله عنه و روایات شیعه را در این موضوع، نقل می‌کند. در بخش بعد، ماجرای غدیر خم و حقیقت آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در این بخش، شرح واقعه‌ی غدیر، انگیزه‌ی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از ایراد خطبه‌ی مشهور غدیر و نقد برداشت شیعه از آن، محور کلام است. نویسنده در فصل آتی، ماجرای سقیفه را به روایت کتاب «احتجاج» طبرسی نقل کرده و نشان می‌دهد که حبّ و بغض‌های مذهبی، چگونه حقیقت را واژگون و نادرست جلوه می‌دهند. نویسنده در ادامه، ده حدیث مهم شیعه را که در استدلال‌های خود در بحث امامت بدان استناد می‌کنند، به دقت تحلیل و بررسی می‌کند. بیان انگیزه‌های قیام سادات علوی در زمان امویان، گفتار صریح ائمه‌ی شیعه درباره‌ی خلافت و دلایل تاریخی‌ای که همگی حاکی از عدم وجود نصّ درباره‌ی امامت هستند، موضوع فصل بعدی کتاب است. او در پایان، فرقه‌های متعدد شیعه را که پس از هر یک از ائمه سر بر آوردند، معرفی کرده و اعتقاداتشان را شرح می‌دهد.



راه نجات از شر غلاة

حیدر علی قلمداران

اثر مبسوطی است که به طرح و نقد رایج‌ترین خرافات و غلو غلاة در بین شیعیان پرداخته و به آن‌ها پاسخ می‌دهد. نویسنده، کتاب خود را با بحث علم غیب و اختصاص صرف آن به خداوند متعال آغاز می‌کند و ضمن اشاره به روایات متعدد شیعی در نفی علم غیب ائمه، به رساله‌ی «سهو النبی صلی الله علیه و آله» محمد تقی شوشتری استناد می‌کند. مبحث بعدی، ولایت و حقیقت آن است. در این بخش، مدعای شیعیان درباره‌ی ولایت منصوص علی و فرزندانش مطرح شده و آیات متعدد قرآن و گفتار خود آنان، به عنوان دلایل رد این باور، نقل می‌شود. بحث در حقیقت شفاعت، موضوعی است که در ادامه می‌آید. در این بخش، ابتدا مفهوم شفاعت و منظور قرآن از آن، به روشنی تبیین می‌گردد و آنگاه، قرائت شیعی از شفاعت و تأثیر آن بر باورهای شیعیان بررسی می‌گردد. چگونگی نشر این خرافه در مذهب تشیع و سیر تاریخی کتب و باورهای غلاة، موضوعی است که در ادامه آمده است. فصل بعدی کتاب، بحث مفصلی است در زیارت قبور و خرافات پیرامون آن. در این فصل، نویسنده ابتدا دلایل عقلی و تاریخی‌ای را بیان می‌کند که در نفی زیارت قبور از جانب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی شیعه نقل شده است. سپس علت توجه شیعیان به زیارت و دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌ای را برمی‌شمارد که موجب شیوع این خرافه در جوامع شیعی شده است. چگونگی تعارض احادیث زیارت با قرآن و بررسی رجالی آنها و تعمیر قبور در اسلام، از دیگر مباحث این فصل است. بخش پایانی کتاب، نگاهی است کلی به پدیده‌ی غلو و آفات و خباثت اجتماعی و دینی آن.



خمس

حیدر علی قلمداران

تحقیق جامع و مبسوطی است که بنیان‌های شرعی و منطقی خمس را بررسی نموده و اصالت و صحت آن را در اندیشه‌ی اقتصادی اسلام مورد مذاقه و قضاوت قرار می‌دهد. این کتاب، که جامع‌ترین اثر مستقل در زمینه‌ی نقد خمس در جهان تشیع است، با هدف عیار سنجی مهم‌ترین روایات و مستندات شیعه درباره‌ی خمس به رشته تحریر درآمده است. هدف نویسنده از نگارش این اثر، پیرایش خمس از زوائدی است که برخی علمای شیعه بدان افزوده و به گفته‌ی وی «آن را ممری مطمئن برای روزی خود کرده‌اند». او در این اثر، ضمن بررسی دقیق و موشکافانه معنا و تفسیر آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال، که درباره‌ی خمس غنائم جنگی نازل شده است، سنت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و دیدگاه ائمه‌ی شیعه را در این باره به تفصیل شرح می‌دهد. نویسنده، کتاب را با بررسی سند خمس در قرآن آغاز می‌کند و ضمن بیان کاربردهای اصلی خمس در جامعه‌ی اسلامی، به روایاتی می‌پردازد که آن را محدود و منحصر به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت وی نموده‌اند. در ادامه، ضمن بیان موارد شمول خمس، احادیثی را که در وجوب خمس و کاربردهای آن آمده است، به لحاظ منطقی سنجیده و پس از مقایسه‌ی آن با قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، با دقت خاصی سند و سلسله روایات هر یک را بررسی می‌کند و در نهایت ثابت می‌کند که خمس فقط در غنائم جنگی و معادن می‌باشد. سپس، اخبار بخشش خمس به شیعیان را از جانب ائمه‌ی شیعه نقل و تحلیل و در پایان، موارد مصرف خمس و سهم امام را در زمان غیبت بررسی می‌کند. آنگاه، فتاوی

علمای طراز اول شیعه را در مورد تحلیل و اباحه‌ی خمس نقل می‌کند؛ کسانی همچون اسکافی، ابن جنید، شهید ثانی، محقق سبزواری، ابن عقیل، شیخ صدوق، شیخ طوسی، مقدس اردبیلی، محقق ثانی، قطیفی، ملا حسن فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، شیخ یوسف بحرانی، شمس‌الدین عاملی، شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) و دیگران که همگی به اجماع، قائل به اسقاط خمس ارباح مکاسب از شیعیان در زمان غیبت هستند. بدین منظور، تمام اقوال و دیدگاه‌های آنان را در این مورد، در آثارشان به تفکیک بیان می‌کند. بخش پایانی کتاب، مجموعه پاسخ‌های نویسنده به ردیه‌هایی است که ناصر مکارم شیرازی، رضا استادی اصفهانی و سید حسن امامی اصفهانی بر کتاب خمس نوشته‌اند و در ویراست جدید به آن اضافه شده است.



جواب یک دهاتی به آقای محلاتی

حیدر علی قلمداران

این اثر، استدلال‌ها و مدعیات ذبیح الله محلاتی را در کتاب «جواب مناقشات بر خطبه‌ی غدیر و وجوب خمس ارباح مکاسب و مسئله‌ی شفاعت» بررسی کرده و به آنها پاسخ می‌دهد. محلاتی، کتاب مذکور را در جواب مقاله‌ای نوشته است که سید ابوالفضل برقعی با عنوان «رد بر خطبه‌ی غدیر» در مجله‌ی رنگین کمان منتشر کرده بود. از آنجا که محلاتی کتاب خود را به صورت پرسش و پاسخ فرضی با برقعی نوشته است، نویسنده در این اثر نیز روش مشابهی اتخاذ کرده و پاسخ‌های خود را به سؤالات و ایرادات محلاتی تبیین می‌دهد. وی در آغاز، داستان غدیر و آنچه را که در آنجا رخ داد بیان و دلایلی را مطرح می‌کند که بنابر آنها نمی‌توان از خطبه‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله برداشت خلافت و جانشینی علی رضی الله عنه را نمود. این دلایل، به چهار دسته‌ی عقلی، نقلی، وجدانی و تاریخی تقسیم می‌شوند. در ادامه و در بحثی مبسوط با عنوان «سند رسوای غدیر» به بررسی سلسله رواة غدیر پرداخته و با استناد به منابع مهم رجال شیعه، وثاقت و اعتبار آنها را زیر سؤال برده و در نتیجه، جعلی بودن بسیاری از بخش‌های آن را به اثبات می‌رساند و بر نتایج و مفاهیمی که از آن استنتاج می‌شود، خط بطلان می‌کشد.



تابشی از قرآن

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی است. هدف نویسنده در چهار جلد کتاب مذکور، بیان مفاهیم آیات قرآن و شرح پیام هدایت بخش آن، به دور از تعصبات مذهبی و جهت گیری های فرقه ای است. وی در جلد نخست کتاب و در مقدمه ای مبسوط که نیمی از حجم این جلد را در بر گرفته، اطلاعات جامعی درباره ی مهم ترین مباحث علوم قرآن ارائه می دهد تا به این صورت خواننده ی نا آشنا نسبت به مفاهیم تخصصی و اصطلاحات قرآنی، شناختی نسبی پیدا کند؛ از جمله مباحثی همچون: شیوه ی کتابت قرآن، قرائت های مختلف، انگیزه و چگونگی تدوین قرآن در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه، تحریف در قرآن، محکم و متشابه، اعجاز قرآن و انواع آن، ویژگی های منحصر به فرد نص قرآن و غیره. شیوه ی وی در تفسیر، به گونه ای است که از پرداختن به اصطلاحات ثقیل و فنی تفسیری اجتناب کرده و در نتیجه، خواننده با متنی روان و ساده روبه رو است. او پس از ارائه ی ترجمه ای روان از آیه، معنا و تفسیر واژگان خاصی از آن را که دارای وجوه و نظایر چندگانه است و یا نیازمند تعریف می باشد بیان کرده و خواننده را یاری می رساند تا پیام اصلی هر آیه را به درستی دریابد. جلد نخست کتاب، تفسیر سوره های فاتحه تا نساء، جلد دوم، سوره های مائده تا یوسف، جلد سوم، ادامه ی یوسف تا فاطر و جلد چهارم، به تفسیر سوره ی یس تا ناس اختصاص دارد.



نقد مراجعات

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

نقد و بررسی مدعیات سید عبدالحسین شرفالدین در کتاب «المراجعات» است. کتاب مذکور با هدف نقد و به چالش کشیدن دیدگاه‌های اهل سنت تألیف شده و برقی در این اثر می‌کوشد تا با استناد به آیات قرآن، احادیث نبوی و روایات ائمه‌ی شیعه، به اظهارات شرفالدین پاسخ گوید. کتاب با طرح مفهوم سنت و تشیع آغاز می‌شود و در ادامه، رویکرد مذهبی کلینی را، به عنوان یکی از مهم‌ترین محدثین شیعه، در قبال حدیث و تدوین آن بازگو می‌نماید. آنگاه نگرش باطنیه را در تفسیر قرآن شرح داده و تأثیر این نگرش را در برداشت مفاهیم حدیثی بررسی می‌کند. وی سپس به بحث پیرامون علم غیب ائمه می‌پردازد و با استناد و اشاره به روایات شیعی، نادرستی این مفهوم را در تفکر شیعه ثابت می‌کند. شأن نزول و تفسیر آیات تطهیر، مباحله و مودت در اندیشه‌ی ائمه و مفسران شیعه، موضوعی است که در پایان به آن پرداخته شده است.



چگونه هدایت یافتیم؟ تولدی دوباره و انتخابی نو

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی رادمهر

زندگی‌نامه‌ی خود نوشت مرتضی رادمهر - از روحانیون شیعی معاصر - و شرح علل گرایش وی به اهل سنت و مصائب و مشکلاتی است که از این راه برای وی پیش آمده است. نویسنده‌ی کتاب، که از طلاب برجسته‌ی حوزه علمیه‌ی قم بوده است، انگیزه‌هایی که وی را از اندیشه‌های شیعی خرافی جدا کرده و به سوی اهل سنت سوق داده، شرح می‌دهد و از این راه، خوانندگان را نیز با مبانی فکری اهل سنت و نقاط اختلاف آنان با شیعیان آشنا می‌سازد. مجموعه رویدادهای پیش آمده در زندگی وی، به عنوان یک طلبه و شرح مناظرات و مجامع‌هایش با علمای سنی، پاسخگوی بسیاری از پرسش‌ها و شبهات شیعیان درباره‌ی اهل سنت است؛ لذا این اثر، نه یک زندگی‌نامه‌ی صرف، بلکه درسنامه‌ای عقیدتی از تفکرات اهل سنت است. وی در آغاز، مختصری از وضعیت خانوادگی و دوران کودکی و سپس چرایی و چگونگی حضورش در حوزه‌ی علمیه و دانشگاه را شرح می‌دهد. در فصل بعد، از سفرش به بلوچستان و آشنایی با مولانا (رهبر معنوی و عقیدتی اهل سنت منطقه) سخن می‌گوید و ملاقاتش با وی و مذاکراتشان با او را شرح می‌دهد. سفر حج و بازدید از سلیمانیه‌ی عراق و سوریه و تأثیراتی که این سفرها بر وی گذاشتند، مطالبی است که در ادامه‌ی کتاب آمده است. فصل پایانی، شرح تحولات درونی عمیق نویسنده، دستگیری‌های مکرر و برخوردهای وزارت اطلاعات با وی می‌باشد که شکنجه‌های شدید و وحشتناکی در زندان را برایش به همراه داشته است. بخش پایانی کتاب، که شرح واپسین روزهای زندگی رادمهر است، به قلم شخص دیگری است؛ زیرا نویسنده‌ی کتاب، در اثر عوارض جسمی ناشی از شکنجه توسط مأموران اطلاعات، در گذشته است.



کلید فهم قرآن

شریعت سنگبجی

بیان شیوه‌های تدبّر در قرآن و چگونگی فهم و استخراج پیام آیات آن است. نویسنده‌ی کتاب با اشاره به همگانی بودن پیام اسلام و درس‌های آن، قرآن کریم را کتابی می‌داند که مخاطب عام دارد و فهم معنا و پیام آن، منحصر و محدود به گروه خاصی نیست و می‌کوشد تا با زبانی ساده، اصول فهم قرآن را بیان نماید. بدین منظور، در ابتدا مفاهیم کلیدی‌ای را که برای درک آیات قرآن ضروری است معرفی کرده و توضیح مختصری درباره‌ی هر یک ارائه می‌دهد؛ از جمله: ظاهر و باطن، محکم و متشابه، تفسیر به رأی جایز و ممنوع، ضروریات و ناسخ و منسوخ. در ادامه‌ی فصل‌های کتاب، به انواع سوگندهای قرآن و مفاهیم آن پرداخته و سپس در مورد فواتح سُور و امثال قرآن توضیح می‌دهد. کتاب با بحث پیرامون شیوه‌های استدلال قرآن و ماهیت و کیفیت وحی ادامه می‌یابد. رویکرد فرقه‌ها و نحله‌های فکری‌ای همچون سوفسطائیان، حسیّون، تجربیون و صوفیه در فهم و تفسیر قرآن، موضوعی است که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. بحث پیرامون نبوت، قیامت و معاد از دیدگاه قرآن، از جمله دیگر مباحث کتاب است.



بررسی مفهوم دعا در اسلام و بیان شرایط دعاهای توحیدی و چگونگی تمییز آنها از دعاهای شرک آلود و نادرست است. در این اثر، نویسنده برخی از مهم‌ترین کتب ادعیه‌ی شیعی را بررسی کرده و علت انحرافی بودن مطالب آنها را بیان می‌کند. او می‌کوشد تا با استناد به آیات قرآن کریم و احادیث موثق، نشان دهد که دعاهای خود ساخته و گمراه‌کننده، چه مضراتی برای فرد و جامعه در پی خواهند داشت. وی برخی از شبهات و سؤالات رایج در مورد دعا و توسل را مطرح می‌کند و مستنداً به آنها پاسخ می‌گوید.



رهنمود سنت در رد اهل بدعت

مؤلف: شیخ الاسلام ابن تیمیه

مترجم: آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقعی قمی

این اثر، برگردان فارسی کتاب «المنتقى» تألیف محمد بن عثمان ذهبی است. کتاب مذکور، برگزیده و فشرده‌ی کتابی است به نام «منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة» که شیخ الاسلام، احمد بن تیمیه دمشقی، آن را در رد افکار و عقاید باطل تشیع، به رشته‌ی تحریر درآورده است. شیوه‌ی نویسنده در این اثر، ابتدا نقل عقاید شیعه درباره‌ی امامت و خلافت و سپس، پاسخگویی به آنها با استناد به آیات قرآن کریم، سخنان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و منطق و عقل سلیم است. وی استدلال‌های علامه حلی را در مورد لزوم زعامت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سزاوارتر بودن علی علیه السلام برای خلافت و اثبات امامت او در قرآن ذکر کرده و در هر مورد، به تفصیل به آنها پاسخ گفته و نادرستی و ضعف هر یک را نشان می‌دهد.



تأملی در آیه‌ی تطهیر

آیت الله العظمی نعمت الله صالحی نجف آبادی

شرح و تفسیر آیه‌ی تطهیر و بررسی دیدگاه شیعیان در مورد مصادیق این آیه و پاسخگویی به آنهاست. یکی از مهم‌ترین آیاتی که در عقاید شیعی برای عصمت اهل بیت و ائمه بدان استناد می‌گردد، آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب می‌باشد که به «آیه‌ی تطهیر» مشهور است. مؤلف این اثر، تلاش دارد تا وقایعی را که منجر به نزول این آیه شد، بازگو نماید. وی برای اثبات گفته‌های خود، آیات صدر و ذیل آیه‌ی فوق را به دقت بررسی می‌کند و با دقت و ظرافت خاصی، ارتباط و یکدستی آیات را در بیان پیام واحد آنها برای خواننده متبلور می‌سازد و با استدلال‌هایی موجز و منطقی، بر مدعای شیعیان در این باره، خط بطلان می‌کشد.



تضاد در عقیده

محمد باقر سجودی

بررسی تاریخی وقایع پس از رحلت پیامبر ﷺ و رویدادهایی است که منجر به خلافت سه خلیفه‌ی اول مسلمین ﷺ شد. هدف نویسنده از نگارش این اثر، نه اهانت به عقاید شیعیان، بلکه کمک به آنان در درک حقانیت صحابه و شناخت صحیح آنان است. وی در آغاز، دلایلی را برمی‌شمارد که به خاطر آنها رسول اکرم ﷺ از انتخاب جانشین اجتناب کرد. در ادامه، به طرح و تفسیر آیاتی از قرآن می‌پردازد که به قدردانی و ستایش صحابه پیامبر ﷺ اختصاص دارد. او ویژگی‌هایی را که خداوند در توصیف یاران حقیقی پیامبرش بیان کرده است، در ۱۳ گروه دسته‌بندی کرده و به تفکیک شرح می‌دهد. در فصل بعد، منافقین را معرفی و صفاتشان را با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم بازگو می‌نماید. بررسی دلایل اختلاف بین صحابه، دوستان اهل بیت پیامبر و ویژگی‌های آنان، تحلیل واقعه‌ی اِفک و رفتار پیامبر ﷺ در قبال دخترانش، از دیگر موضوعاتی است که در ادامه به آنها پرداخته شده است.



توحید عبادت

شریعت سنگجی

بیان موازین و معیارهای توحید در اسلام و شرح و معرفی عقاید خرافی و شرک‌آلود است. نویسنده، کتاب را با طرح اصل توحید و معنا و مصادیق آن آغاز می‌کند. سپس به بیان مفهوم عبودیت و شرایط تحقق آن پرداخته و عبودیت عام و خاص را شرح می‌دهد. در ادامه، ضمن تبیین معنای شرک، اعمال و اندیشه‌های شرک‌آمیزی را که در آداب و مناسک مسلمانان، به ویژه شیعیان، راه یافته است، برمی‌شمرد. وی شرک را به دو گروه اکبر و اصغر تقسیم می‌کند و مصادیق هر یک را نام می‌برد. بحث تبرک، ذبح قربانی برای غیر خدا، توسل به غیر خدا، ریا و شفاعت، از جمله دیگر مباحثی است که در این بخش مطرح می‌گردد. در بخش بعد، به معنی و حقیقت سببیت پرداخته و اشتباه عوام را در این مورد شرح می‌دهد و سپس، زیارت قبور بزرگان دینی، پیامبر ﷺ و ائمه را به عنوان نمونه‌های شرک‌آمیز این سوء برداشت، تحلیل می‌کند. بخش پایانی کتاب، به دلایل تاریخی و اجتماعی پیدایش بت‌پرستی و اسباب شیوع شرک و خرافه در اسلام، اختصاص دارد.



خلافت و امامت

حیدر علی قلمداران

طرح پرسش‌های بنیادین درباره‌ی اعتقادات شیعه درباره‌ی امامت ائمه و خلافت صحابه‌ی بزرگوار پیامبر اسلام است. نویسنده در این اثر، با استعانت از آیات نورانی قرآن کریم، سخنان گهربار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، صحابه و تابعین ارجمند ایشان، مسایل مهمی را درباره‌ی امر خلافت و امامت مطرح کرده و شیعیان را به تفکر و انصاف در مورد آن دعوت می‌کند. وی در آغاز کتاب، به بحث درباره‌ی رویکرد حضرت علی رضی الله عنه به مسئله‌ی انتخاب خلفای قبل از خود پرداخته و خطبه‌ها، نامه‌ها و روایات رسیده از وی را درباره‌ی رضایت از این امر، نقل می‌کند. در ادامه، به موضوع ذکر نام ائمه‌ی شیعه در قرآن می‌پردازد و ضمن تفسیر آیه‌های مورد ادعای شیعیان، نادرستی برداشت آنان از این آیات را به اثبات می‌رساند. بخش پایانی کتاب، به عصمت و بی‌خطایی ائمه‌ی شیعه می‌پردازد. در این بخش، نویسنده پس از استدلال‌های متعدد قرآنی، روایات متعددی از خود ائمه درباره‌ی عدم مصونیت‌شان در برابر خطا و لغزش نقل می‌کند.



عقیده اسلامی

آیت الله العظمی سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

بیان عقاید اصیل و ناب اسلامی بر پایه‌ی آیات نورانی قرآن کریم و سنت حسنه‌ی پیامبر رحمت و مغفرت - محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم - است. مترجم در خلال مقدمه‌ی کتاب، به دشمنی کورکورانه و جاهلانه شیعیان - به ویژه در ایران - با یکتاپرستان عربستان اشاره می‌کند، که در ایران با نام وهابی شناخته می‌شوند. انگیزه‌ی اصلی وی از ترجمه فارسی این کتاب، معرفی مشرب فکری و عقیدتی آنان و شرح عقاید و آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب - مصلح دینی حجاز در قرن ۱۲ هجری - است. این اثر، مرامنامه‌ی توحیدی و ایمانی مسلمان آزاده‌ای است که کتاب خدا و سنت رسول پاکش را برای هدایت و نیل به سعادت ابدی، کافی و وافی می‌داند و به دور از هرگونه تعصب و جانبداری، تعالیم راستین اسلام را بازگو می‌کند. کتاب حاضر، مشتمل بر سه رساله از شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب است: در رساله‌ی نخست، مبانی توحید و خدانشناسی، چگونگی شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، کارکرد و تأثیرات دین در جامعه و وظایف مؤمنان در قبال خداوند و رسولش، بیان شده است. نویسنده در رساله‌ی دوم، ملاک‌های تمیز حق از باطل را در پیروی از دین حنیف شرح داده و در رساله‌ی سوم، شبهاتی را که مغرضین و مشرکین بر اسلام و اندیشه‌های توحیدی آن وارد نموده‌اند، مطرح کرده و به آنها پاسخ‌های مستدلی می‌دهد.